

«اجتبا قطعياً نباید هیچ عربی داخل شوند و در امور سیاسیّه مداخله نمایند»
«حضرت عبدالبهاء»

آنگارید

سال ۳۰

شماره ۳۳۲

خرداد و تیر ۱۳۵۴

شهر العظمة الى ۱۰ شهر الكلما ۱۳۲۲ بديع

مخصوص جامعة بهائي

فهرست مطالب هنگ بدیع شماره ۳۳۲

صفحه

- ۱- لوح مبارك ۳
- ۲- لوح مبارك ۴
- ۳- قسمتی از دستخط بیت العدل اعظم الهی ۲۰ می ۱۹۷۵ ۵
- ۴- از پیام بیت العدل اعظم الهی نوروز ۱۳۱ ۶
- ۵- سفینه نجات هاری رحمانی شیرازی ۷
- ۶- حیات بهائی دکتر مسیح فرهنگی ۹
- ۷- خانه های بهائی مصاحبه با ایادی امرالله جناب دکتر مهاجر ۲۴
- ۸- ای کوی توبله نمازم (شعر) نصرالله عرفانی ۳۰
- ۹- تاریخ پیدایش و پیشرفت امرالله در هندوستان ترجمه - ناهید افشار ۳۱
- ۱۰- خانم الیویا کیسی ثریا معانی (فیضی) ۴۰
- ۱۱- صفحه خوانندگان ۴۳
- ۱۲- قسمت جوانان و نوجوانان ۴۵

پنجم در او برین است
 نفعی که در حفظ نفس است
 نفعی که در حفظ جان است
 نفعی که در حفظ مال است
 نفعی که در حفظ عیال است
 نفعی که در حفظ دولت است
 نفعی که در حفظ شرف است
 نفعی که در حفظ آبرو است
 نفعی که در حفظ اعتبار است
 نفعی که در حفظ کرامت است
 نفعی که در حفظ کبریا است
 نفعی که در حفظ جلال است
 نفعی که در حفظ اقبال است
 نفعی که در حفظ توفیق است
 نفعی که در حفظ سعادت است
 نفعی که در حفظ نجات است
 نفعی که در حفظ بقا است
 نفعی که در حفظ کمال است
 نفعی که در حفظ اتمام است
 نفعی که در حفظ کمال است
 نفعی که در حفظ اتمام است

لوح مبارک حضرت بهاء الله
 عکسبرداری از نسخه موجود در محفظه آثار ملی

جانب و سید عالم
 در بیان آرزوهای

بخواند

دل آگاه دیده و بینا شد و سر و جویز شستند و جان گوید در کون و در
 در آنگاه که در کون ساطع و لایق شد حقایق کشیدار و در آرزو
 و در هر میان نخل بر عالم امکان فرمود اسرار به او شد و حقیقت انکار
 و طاعت است که دیده و پاک و درست و در کمال محرم و مجرب خاشاک از آرزو
 انبیا نه داد و انداز از عالم اسرار به او نیست که توفیق اولیای تقی است
 غایب خاک را یکبار کند بسکک را ملل بر نشان فرایه و خاک بسیار
 کسب اسرار کند و خنجر سردی را بیدار و در شکار فرایه امید و طبع است
 خلق بدید مشروط بچهار دست مجید از خدا خواهم که هر دو مندر در آن با
 در عمار شفا جوید و هر خسته رحمت جان و آسایش و بدان طلبه و
 بلکه ابها، او همی رطع

لوح مبارک مزین بامضای حضرت عبد البها
 عکسبرداری از نسخه موجود در محفظه آثار ملی

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شید الله ارکانه

هرچند آن امنای الهی با زیارت و مطالعه آثار مبارکه بخواهی واقفند که امر استنساخ و جمع آوری و حفظ آثار که "اس اساس" تشریحات و محرواجرات . . . بیت عدل صومی است " همواره و مخصوصاً در این مراحل ابتدائیه امر مبارک تا چه اندازه حائز اهمیت و ضرورت است و الحاق که تا بحال در این باب نیز از بسند هیچگونه همت و مساعدتی در رخ نفرموده اند و در گذشته مجموعه های نفیسی از الواح و آیات مبارکه استنساخ و تطابق صحت آنها را با اصل تصدیق فرموده و در حال حاضر نیز مستمراً به کسب آری از این آثار نفیسه و ارسال نسخهای از آن به ارض اقدس مألوف و مشغولند با اینحال از آنجائیکه هنوز قرائن و احوال حاکی بر آنست که مقداری از این آثار مبارکه مخصوصاً آنچه از قلم مولای رفوف و بهیمتا حضرت ولی امرالله بافتخار افراد و یا محافل روحانیه محلیه صادر گردیده هنوز در اختیار آن محفل قرار نگرفته است طریقه این نظر این هیئت مقتضی است که آن محفل مقدس مرتباً باران الهی را باین مسئله مهمه معطوف داشته تقاضا فرمایند که احببای الهی آنچه از این آثار و توفیحات مبارکه در اختیار دارند تسلیم آن امنای الهی فرمایند تا بر حسب میل و اراده صاحبان آن اصل و یا نسخهای از کس آن توقیف باین شرط ایصال گردد . . .

قسمتی از دستخط ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی
شهر المعظمه ۱۳۲ - ۲۰ ص ۱۹۷۵

هر دم که پیروان اسم اعظم در اقطار عالم قدم در عرصه مجاهدت گذارند و مستعد
هجوم بمیدانی جدید گردند دیده^ه انتظار این مشتاقان بل جمیع بهائیان جهان
متوجه یاران ایران شود که باز در این نوبت چه سعندی روانند و چه گوئی ربایند
و چه تاجی بر سر نهند که لائق شأن و مقام آن فارسان مضار و فای باشد .

از پیام بیت العدل اعظم الهی نوروز ۱۳۱

سفینه نجات

برداشت از سخنرانی
جناب هادی رحمانی شیرازی

در جلسه افتتاحیه لجنات طیه .

بزرگترین افتخار و امتیازی که جامعه بهائی نسبت به سایر جوامع دارد اینست که همواره يك مقام مقدس مصون از خطا این جامعه را رهبری میفرماید آنچه را که در هر سال و هر ماه و هر روز بل هر ساعت باید انجام شود تعیین مینماید و یاران را استان که بی به اهمیت این موضوع بردانند بمقتضای شرط حب و وفا فرامین صادره از این مرجع عظمی راجع بر تارك خود قرار داده و کسب رضای الهی نائل میشوند .

با وجود آنکه سفینه امرالله محاط به صدمات و لطمات امواج خروشان این جهان مادی است ولی در نهایت سکون و وقار بسپه سیر و حرکت خود ادامه میدهد و روز بروز در اثر اجرای تعالیم مقدسه و هجرت به نقاط و توطین در مراکز لازم المهاجره اساس امر قوی تر و محکم تر و بنیان کلمه الله متین تر و رزین تر میشود . امروز جمیع خدمات مدد و حه مشکوره عزیزان ایران در صحیفه نور مشهور و مشهور است چه که سراج منیر امر الهی در شدت زوابع و عواصف رزایاروشن و افروخته شده و در ۱۱۹ - مملکت بر اعده بیت العدل اعظم الهی پرچم مقدس بابها الابهی در اهتزاز است .

نقشه های مبارکه چهل و پنج ماهه و ده ساله جهاد کبیرا کبر و نقشه نه ساله بیت العدل اعظم بانهایت موفقیت به پایان رسیده و اینک نیت به دومین نقشه معبد اعلی بیت العدل اعظم رسیده که البته و صد البته مطمئن هستیم که این نقشه ملکوتی بتمام معنی انجام خواهد گرفت ولی از آنجا که متکی به فضل و عنایت او تعالی شانه هستیم ما یلیم از حمایت غنی طی الاطلاق الهی بهره بیشتر نصیب خود کنیم و قبل از میعاد مبین موفق به خاتمه این نقشه جلیب شوم ، شرط اول موفقیت اینست که هر يك از ما مانند نهنگ بحر عبودیت بخدمت امر حضرت بدیع الاوصاف یزدانیم و چون اسلاف خود تا نفس اخیر در پی کسب رضایش سعند همت تا زیم و هرگز رضای خود را به رضای او ترجیح ندهیم تا انشاء الله در ملکوت ابها به نعمت لقایش هم نظر و یکمعه فرموده مرزوق و فائز شویم .

چنانچه میفرمایند : قوله جللت عظمته : لهجد احدا حلاوه البیان الذی ظهرو من فم مشیه الرحمن لینفق ما عنده و یهکون خزائن الارض کلها لیثبت امرنا من اواوال المشرقه من افق العنایة و اللطاف .

مطلب دیگر اینکه حضرت ولی عزیرا مرالله میفرمایند قوله الاحلی : چه که در مستقبل ایام امرالله چنان اتماعی یابد که رتق و فتق امور در دست يك شخص ممکن نشود و امور مختل و معوق ماند پس از صدور این فرمان ملکوتی در لوج مبارک شباط ۱۹۲۲ خطاب به یاران بهیمنی شروع به تأسیس محافل مقدسه طیه اعمده بیت العدل اعظم الهی فرموده اند و امروز بحمدالله این قبه مبارکه و این معبد اعلی بر روی ۱۱۹ عمود برپاست و همسه ما میدانیم که امور عجیبه از پس پرده غیب الهی مشهود و عیان خواهد گردید پس برای تسریع در انجام و عود مقدسه مبارکه محافل مقدسه روحانیه علیه اقدام به تشکیل لجنه های مجلله علیه فرموده و نفوس مبارکی را برای عضویت در آن لجنه ها انتخاب کنند که متخصص و متفنن در کار ورشته خود باشند و این لجنه های معززه اعظم وظیفه ای که دارند معرفی و تحکیم قرارهای صادره از سوی محافل طیه و محافل روحانیه است که در صف مقدسات یاران قرار دارند چه که مولای محبوب میفرمایند قبله الاحلی باید افرازه بهائیان در هر کشور و اقلیمی بتعام قوا و در کمال صمیمیت قیام بر نصرت نمایندگان محلی و مرکزی خویش نمایند اطاعت و تمکین قرارهای صادره از آن مراجع عالیله رسمیه بهائی نمایند و آراء و تمایلات شخصیبه خویش را در ظل اراده و تصمیمات هیئت معظین خویش در آورند . بصاعدت و معاضدت نمایندگان منتخبه خویش برخیزند و من دون تردید موید و نافذ و ناشر تشریحات معظین خود گردند و شخصیات را در جمیع موارد بلا استثناء تابع هیئت دانند و نیز میفرمایند قوله الاحلی : " در هر حال رجوع بمحفل مقدس روحانی کنید و در تمام امور بتصوب و اطلاع اعضاء محترمه منتخبه تصدق فرمائید . آنچه نتیجه مشورت محفل مقدس باشد همان طریق صواب و مرضی حضرت رب الارباب است زیرا محافل روحانیه طهینند و موید و منصوبند و موفق پس من دون اضطراب آنچه صلاح دانند مجری دارند تا موید در جمیع شئون شوند و نیز میفرمایند قوله الاحلی : " احباء کل باید این محافل را چه خصوصی و چه مرکزی تقویت نمایند افراد کل تأیید و تصوب قرارهای محفل روحانی خود نمایند اعتماد به آن نفوس کنند و به تعاون و معاضد قیام نمایند و بهیمن داشته باشند که اگر یاران معظین خویش را بصاعدت و معاضدت کنند و اطاعت از دستورات آن مراجع مقدس رانه مجرد بقول و کلام بل بجان و دل خریدار شوند در اندک مدت تأییدات الهیه احاطه نماید هموجب و عود محتومه مفیوط و محسوس عالم گردند و در صف اول و ممتاز ثابتین بر عهد و میثاق رب جلیل قرار گیرند و نجات مسکینه الهیه را که از رضوان احدیث میوزد یکمال فرح و سرور است شمام نمایند بخته وجوده

حیات بهائی

دکتر مسیح فرهنگسی

امروزیکی ازسه هدف اصلی نقشه مقدسه پنجساله بیت العدل اعظم الهی را که بجهان بهائوسی ابلاغ فرودماند باهم بحث می کنیم سه رکن عظیم دراهداف نقشه مقدسه جهان بنیان گذاشته شده و مورد توجه ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی قرار گرفته است که دوستان در سراسر عالم بان توجه داشته باشند و در طی این نقشه پنجساله اساس این سه رکن را مستحکم کنند تا آنچه را که نوایای قلبیه حضرت مولی الوری در قرآن تبلیغی بود و آرزوی حضرت ولی عزیز امرالله در طرح نقشه جهاد کبیرا کبیر بعنوان نمونه برای نقشه های آینده تبلیغی بهائی در عالم بمرحله اجرا و تحقق درآید این سه رکن عظیم یکی محافظه آنچه از توفیقات و مشروعات و اقدامات است که جامعه بهائوسی بان موفق شده و نائل آمده ، حفظ آنها و استحکام آن .

دوم : پیشرفت امرالله بیش از پیش و توسعه د اثره امرالله در جهان یعنی آنچه موفق شده ایم قانع نباشیم و پیش برویم .

سوم : رکنی است که امروز باهم در باره آن صحبت می داریم و آن حیات بهائی است . بطوریکه حیات بهائی در اعمال روزمره یک یک افراد بهائوسی و جوامع بهائی در سراسر عالم کاملاً تجلی کند ما امروز در باره این قسمت سوم باهم صحبت میکنیم چون در قسمت دوم که توسعه د اثره امرالله است در جلسه قبل باهم بحث کرده ایم . آنچه میل دارم بیشتر باهم مطالعه کنیم مطالبی است که شما عزیزان بطور کلی اساسش را بخوبی واقفید و بهتر از من هم واقفید نهایت این است که تذکرات مسائلی را باهم در میان میگذاریم و چون شما نفوس مقدسی هستید که در مناطق خود با

یاران در تماسید و با بعضی از شما استاد پند هاید
و در سیروس فرید و یاران الهی از مقوله بحث خوا
فرمود . این مطالب را نیز منعکس میفرمائید .

اصولا " خوب است در خطابه بی از حضرت
عبد البها" ارواحنا فداه که در جمعیت اتحاد
در لندن بیان فرموده اند در وقت نمازیم که میفرماید :
" مظاهر الهی اول معلمین و مروجین حقیقت
هستند چون عالم تاریک و ظلمانی گردد و غفلت
پیدا شود خدا یک نفر الهی را میفرستد " .

توجه باین بیان مبارک ما را کاملا " روشن میکند
که در چه مرحله و موقفی قرار داریم . ما در موقفی
هستیم که جهان تاریک شده تاریکی غفلت
احاطه نموده نوری با تعالیم حضرت بها" الله
بدست ما داده شده که ما این چراغ را فراراه
مردم گمراه نگه نداریم . پس از مقدمه معلوم
میشود که هدف ما چیست ؟

در خطابه دیگری از حضرت عبد البها" وقتی که
از احبای لندن تودیع میفرمودند چنین
زیارت می کنیم :

وقتی که اساس ادیان الهی بکلی منهدم و اخلاق
عالم انسانی متغیر اثری از نورانیت آسمانی نه
و محبت بین بشر مختل ظلمت عناد وجدال و قتال
و سرمای خمودت و انجماد حکمران بود تاریکی
احاطه نموده بود حضرت بها" الله مانند کواکب
آفاق از مشرق ایران طالع شد انوار هدایت
کبری درخشید و نورانیت آسمانی بخشید و
تعالیم بدیعی تأسیس فرمود و فضائل عالم انسا
تأسیس کرد و فیوضات آسمانی ظاهر فرمود و قسوه
روحانیه با هر ساخت " .

بنابراین آنچه بدست ما است و مسائل است بدرای

تأسیس فضائل عالم انسانی . معلم اگر خود
آنچه را تدبیر میکند نداند چگونه میتواند
شاگردان خود را تعلیم دهد طبیب اگر خود
سالم نباشد چگونه قادر است بداد مریضان برسد
لذا ما افراد بهائی باید اول خود از این فضائل
عالم انسانی بهره ببریم تا بتوانیم بدیگران
نیز این فضائل را برسانیم . در جلسه قبل با
هم بحث کردیم که فرمودند : " اول خود
بدان عمل نمایند بعد ناس را دلالت کنند " .
(فرامین تبلیغی) .

پس هدف ما از بحث راجع به حیات بهائی این
است که بدانیم حضرت بها" الله چه فضائل
خواسته اند در عالم تأسیس شود و ما قصد داریم
آن فضائل را بین بشر نشر دهیم . شکی نیست
که در مرحله اول ما باید خود نمونه قرار گیریم .

حضرت ولی عزیزا مرالله در سال ۱۹۳۹ احبای
را انداز فرمودند و مطالبی بیان داشته اند که
مضمون آن بدین نحو در گوهریکتادج است :

" آنچه در این ایام ما را بیمارزه میخواند عالمی
است معلو از مخاطرات و لبریز از فساد
سردی جمودت مرگ از بیماری بیدینی برهیکل
انسانی با کمال بیرحمی عارض گشته ارکان وجود
را منجمد می روح نموده است چراغ دین
خاموش شده و عالم وجود در تاریکی بیمانندی
فرورفته . تبعیضات ملی بر همه جا چون وحش عمیا
مسلط گشته و تضییقات دینی و نژادی در نهایت
قساوت و بیرحمی است . نظریات و عقاید غلط
با جملهای مربع خود ستایش خدای یکتا را
از ریشه بر آورده است . کابوس مادیت جمیع
طبقات را از حمله و فشار خود بلرزده اند اخته
انحطاط اخلاقی و تنزل شان دین چون هیولائی
سهمگین متدرجا " بادند انهای تند و تیز خود

ارکان هستی راریزو ریزمینماید .

کتابهای رمان جنائی وغیره تألیف شده . خوب تعلیم میدهند چگونه میتوان جرمی مرتکب شد که آثارش مشهود نباشد دستمال را از جیب در میآورد و با آن اسلحه را میگیرد یا دستکش دست میکند و دستگیره در را باز میکند تا اثر انگشت باقی نماند و تعلیم میدهد چگونه جرم را مرتکب شوند این است که روز بروز بشر بطرف فساد و تباهی پیش میرود اسباب فراهم است برای اجرای جرم و راهش نیز تعلیم داده میشود .

ماد مقابل چنین دنیائی قرار گرفته ایم . حضرت بهاء الله جل شانه در اشراق اول از لوح اشراق میفرماید :

دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید اگر سراج دین مستور ماند هج و مرج راه یابد .

پس اول مرحله حیات بهائی تمسك ما است به بین اگر دیند ار نباشیم نمی توانیم آسایش در عالم تأسیس کنیم . در ورق اول از کلمات فرد وسیه میفرمایند :

براستی میگویم حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشیه الله بوده است سبب اکبر از برای حفظ بشر و علت کبری از برای صیانت وری بلی در وجود آیتی موجود و آن انسانرا آنچه شایسته ولایت نیست منع مینماید و حراست میفرماید و نام آنرا حیا گذاره اند و لکن این فقره مخصوص است بمعدودی کل در ای ایمن مقام نبوده و نیستند .

در علوم مادی بعضی نظریات غلط وجود دارد . مثلا در علم روانشناسی جرم راناشی از عقد ههای روانی میداند مجرم را مستوجب عقوبت نمی شناسد حضرت ولی امر الله در بیانی که مضمون آن در کتاب گوهر یکتا ص ۳۰۴ درج است چنین میفرماید :

یکی از نظریات معلو از خطائی که امروز دنیا را فرا گرفته و بالمره بر ضد تعالیم حضرت بهاء الله میباشد این است که نفوس مسئول خطایای خود نمی باشند و آنچه عمل مینمایند منوط و مشروط بعلمی است که در نتیجه حوادث زمان و سوانح عمر که خارج از حیطه و اقتدار افراد است در وجود آنان بظهور میرسد .

دو عامل میتواند انسانرا از دینی حفظ کند یکی عامل قانون است دیگری عامل دین . عامل قانون مانع و رادع انسان است از جرم مشهود نه غیر مشهود زیرا در قانون مدنی اساس بر برائت است مگر آنکه خلافش ثابت شود یعنی همه افراد جامعه طبق قانون بی گناه محسوبند مگر آنکه جرمی بگردن آنان ثابت شود پس اگر جرمی واقع شد ولی ثابت نشد مجرم مجازات نمیشود .

این نظریات غلط با تعالیم حضرت بهاء الله مغایرت دارد که میفرماید " خیمه نظم عالم بد و ستون قائم و برها مجازات و مکافات " . بطور قطع حضرت بهاء الله مجرم را مستوجب عقوبت میداند این افکار غلط نیز راه را برای اجرای جرم آماده تر میکنند پس قانون های بشری نمیتواند نظم را در عالم چنانچه باید برقرار کنند و آسایش انسانی را تأمین نمایند .

می بینیم متأسفانه امروز اوضاع نوع دیگر است . اسبابهای عجیب و غریبی بدست بشر اختراع شده تلویزیون ها ، رادیوها ، سینماها اختراع شده

پس ملاحظه می کنیم که بزرگترین عامل حفظ انسان از خطا عامل دین است که هم حکم بر جرم

مشهود میکند هم برجرم غیرمشهود . فرستد یمن اگر خطائی مرتکب میشود چه اورابه بینند یا نبینند خود را خطا کار میدانند و در نزد پروردگار شرمسار است . پس چنین عاملی میتواند او را از خطا محفوظ نگهدارد این است که میفرماید "خشیه الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی مینماید" .

حضرت بها^ع الله دین رابه قلعه ای تشبیه میفرماید که نفوسی را که در آنند از آفات خارجی محافظه مینماید از تهررس دشمن در امان هستند از حمله وحوش و درندگان درینا هستند . وقتی مادر قلعه دین باشیم او امر و نواهی را رعایت کنیم در این قلعه از آفات اخلاقی اجتماعی و سیاسی و از هر آفت دیگر محفوظ میمانیم میفرمایند:

"حبی حصنی" محبت الهی چون قلعه است "من دخل قبه نجسی و امن" که هر که داخل آن شد نجات می یابد و در امان میماند "و من خرج فوی و هلك" پس هر کس از این قلعه خارج شود به هلاکت افتد . پس اساس حیات بهائی را محفوظ ماندن درینا قلعه حب الهی باید دانست و آن رعایت تعالیم الهی از او امر و نواهی است .

حضرت بها^ع الله در ورق نهم از کلمات فرد و سیه میفرماید : "یا اهل بها" او امر منزله هریک حصنی است محکم از برای وجود ان المظلوم ما اراد الا حفظکم و ارتقاکم" .

این او امر و نواهی برای این نیست که ما را مجبور نماید بلکه برای حفظ ما است و به نفع خود ما است تا ما را محفوظ نگهدارد چه که میفرماید مظلوم آفاق اراده ای جز حفظ ماند داشته و مقصودی جز ارتقا ما بمقامی بالاتر ندارد . و این با اجرای تعالیم الهیه حاصل میشود .

حال به بینیم از عدم رعایت تعالیم و احکام چه میشود

در ورق دوم از کلمات فرد و سیه میفرماید :

"سستی ارکان دین سبب قوت جهال و جسارت شده بر سستی میگویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالاخره هرج و مرج است" .

پس نتیجه عدم رعایت تعالیم دینی قوت جهال و جسارت نادانان است که سبب هرج و مرج عالم میشود . حال به بینیم چه راهی برای ما موجود است تا وارد این قلعه محکم شویم و در ورود این قلعه از کجا است . قلعه ای که خداوند اراده فرموده تا ما در آن مکان رفیع از آفات مختلفه در امان بمانیم ، حضرت بها^ع الله میفرمایند :

"اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء" کلید رمز ورود باین قلعه این است که آیات الهی را هر صبح و شام تلاوت کنیم و متعاقب همیمن قسمت از آیه جزای نفوسی را که غفلت میکنند تعیین فرموده اند و میفرماید :

"ان الذی لم یبتل لم یوف بعهد الله و میثاقه" آن کس که از تلاوت آیات غفلت کند بعهد و میثاق الهی وفا نکرده است و در میثاق ثابت و استوار نمانده است . کسی که بعهد الهی بی وفا باشد از اشرار است که فرمودند زنها را اشرار الفت مگیر و موانست مجو" لهذا راه ورود به قلعه حفظ الهی تلاوت آیات در هر صبح و شام است

جمال قدم جل نکره در بیانی میفرماید : اغتمسوا فی بحر بیانی لعل تطلعون بما فیها من لثالی الحکمه و الاسرار" . یعنی در دریای بیان من فرو روید تا مطلع شوید در آن چه لثالی از حکمت و بیان نهفته است . پس اگر در این بحر عظیم فرو نرویم و مطالعه و تلاوت آیات

نعمائیم مروراید های گرانبهای موجود در آن بدست
مانعی آید و نتایجی که باید از اجرای تعالیم الهی
بدست آید حاصل نمیشود .

ماد را اجتماع در مقابل تیروسنانی و حملات و هجومی
قرار گرفته ایم حملات فساد و تباهی که ما را بیمارزه
میخواند و آن مد نیت فوق الحد مادی است .

جمال قدم در کلمات فرد و سیه در ورق نهیم
میفرماید :

" بر استی میگویم هر امری از امر اعتدالش محبوب
چون تجا و ز نعماید سبب ضرگرد . در تمدن اهل
غرب ملاحظه نمائید که سبب اضطراب و وحشت
اهل عالم شده آلت جهنمیه بعیان آمده و در
قتل وجود شقاوتی ظاهر شده که شبه آنرا چشم
عالم و آذان ام ندیده و نشنیده اصلاح ایمن
مفاسد قویه قاهره ممکن نه مگر با اتحاد احزاب
عالم در امور و یا تمدن الهی از مذاهب .

بنابراین طریق جلوگیری از مفاسد این مد نیت
لگام گسیخته و حرکات وحشیانه تمسک به دین
است که باید این تعالیم را بنامه اجرا کنیم
تا از این مفاسد قویه اجتماعی برکنار مانیم . امراضی
که در عالم شیوع پیدا میکنند و همه گیر میشود بعلت
تعاس زیاد مردم و جوامع است که با سیروسفرو
نقل و انتقال سرایت مینماید . راه جلوگیری
از آن واکسیناسیون است . اگر واکسن ضد آن مرض
بمردم تلقیح نشود بیماری همه گیر شدت مییابد
و بیداد میکند و کشتار مینماید و از گوشه ای از جهان
به نقاط دیگر سرایت مینماید چه هر روز چندین
هواپیما از آن محل به معالک دیگر پرواز میکنند
سایروسائل نقلیه نیز از قبیل راه آهن و کشتی
و اتوبوس و غیره نیز هست . تصور نرود که تنها
امراض جسمی است که اینطور سرایت میکند و شایع
میشود امراض روحانی نیز همینطور است فساد اخلاق

از یک گوشه به نقاط دیگر جهان سرایت میکنند
لهذا برای جلوگیری از این امراض روحانی نیز
واکسن روحانی لازم است که آن تمسک به دین
است . واکسن را اول باریزشکان به خود و به
پرستاران خویش تلقیح مینمایند بنابراین ما
اهل بهان نیز باید اولین واکسن روحانی را بخود
و نزدیکان خویش تلقیح کنیم یعنی خود عامل
بمعالیم الهی باشیم بعد به داد دیگران برسیم
اول باید خود منجذب به تعالیم الهی شده
باشیم در دیانت بهائی ایمان را تنها عبارت از
اقرار بر وحدانیت الهی در مظهر ظهیرش
نمی دانیم . حضرت بهاء الله در لوح تجلیات
در تجلی اول میفرماید :

" ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق
آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل با آنچه
امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته ."

در کتاب اقدس نیز همینطور امر میفرماید که باید
او امر الهی را که مظهر ظهیر تعلیم فرموده تصدیق
کرد و اجرا نمود زیرا میفرماید :

" لانها معا لا یقبل احد همامون الاخر . این
تصدیق و اطاعت با هم اند و به تنهایی کافی
نخواهند بود . با اقرار باینکه بهائی هستیم
دردی در و انمیشود . اقرار باینکه حضرت
بهاء الله معلم الهی است چاره درد نیست
تصدیق باینکه حضرت بهاء الله مظهر کلی الهی
است اینهم کافی برای اصلاح عالم نخواهد بود
تنه اراه این است که این اقرار و اعتراف و تصدیق
را با عمل و اجرای تعالیم حضرت بهاء الله کامل
نمائیم . حضرت بهاء الله میفرماید :

" متغمسین بحریبان باید در کل حین با و امرو
نواهی الهی ناظر باشند او امرش حصن اعظم است

از برای حفظ عالم و صیانت امم نورا^۱ لمن آقر و اعترف و نارا^۲ لمن ادبرو انکر .^۳

در اشراق سوم از اشراقات میفرماید :

" اشراق سوم اجرای حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم " میفرماید اجرای حدود یعنی عمل به تعالیم الهی و رعایت اوامر و نواهی برای حیات عالم سبب اول است پس نزول این احکام و تعالیم برای آن انبوه کسسه بود و ع اوراق مانند بلکه بمنظور اجرا و عمل نازل شده لهد احویات بهائی یعنی اجرای این تعالیم .

حال به بینیم این تعالیم که نور جهان است و سبب اول است از برای حیات عالم چگونه در جهان منتشر میشود و ساطع میگردد و چگونه طریق میتوانیم با این نور قلوب دیگران را نیش و روشن کنیم و فیض بخشیم .

در اشراق چهارم میفرماید :

" جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است و قائد و سردار این جنود تقوی الله بوده اوست دارای کل و حاکم بر کل " .
دیانت بهائی و تعالیم آن را با قوای جبریه و توپ و تفنگ نمی خواهیم منتشر کنیم بلکه آنرا با اخلاق پسندیده منتشر مینماییم ولی این اعمال و اخلاق پسندیده به تنهایی کافی نیست عرفان کامل لازم دارد قائد و سردار آن تقوای الهی است اعمال همراه با عرفان باید باشد زیرا ایمان محتاج عرفان است نتیجه معرفت کامل از ایمان و عرفان حاصل میشود اجرای تعالیم و احکام است که در نهایت استقامت و پایداری و تمسک صورت میگیرد .

در کتاب گوهر یکتا ص ۳۱۰ این بیان را از حضرت

ولی امر الله زیارت می کنیم .

" این خود درس عبرتی است برای عالم انسان تا ملاحظه نمایند که چگونه با این قوای مودعه الهیه از ملتی متدنی و جبان و منحط در جمیع شئون عالم انسانی يك سلسله قهرمانان قوی الجنان ظاهر و نمایان میفرماید . و این موقعی تحقق می یابد که همین افراد بردای ایمان بحضرت بهاء^۱ الله مشرف میگردند و از این امر خارق العاده درس عبرت گیرند و بدانند که این قوه قلب ماهیت در ادیان موجود و محتوم و مشخص است " .

حضرت بهاء^۱ الله با ظهور خود و تأسیس تعالیم خویش از بین ملتی منحط و جاهل و گرفتار انواع تعصبات و اوهام و خرافات شیردانی تربیت فرمود که تاریخ ادیان و جهان نظیر آنان را باخاطر ندارد . مایقین داریم که این قوه تقلیب و تغییر در تعالیم حضرت بهاء^۱ الله موجود است و نفوسی را که پیروی تعالیم او میکنند و اجرا و عمل مینمایند عوض میکند نفوس ترسو و سیردل میشوند آدم خسیس بذال میشود جاهل عالم میگردد سر تنگیس ظاهر میشود " نجعل اعلاکم اسفلکم و اسفلکم اعلاکم " هویدا میشود . در نفوس مؤمنین فضائل عالم انسانی آشکار میشود و در نفوس منکرین و معرضین انحطاط در جمیع شئون مشاهده میشود تا اینکه درد نباله بیان مبارک حضرت ولی امر الله میفرماید :

" همین تقلیب و استحاله در جمیع احوال و شئون عالم با همین قوه غالبه الهیه صورت میگیرد " .
بنابراین مانع حصول حیات بهائی را در این میدانیم که تقلیب ماهیت شود یعنی انسان عوض شود . آنچه را که علمای مادی در روانشناسی حاصل غرائز طبیعی میدانند ما میگوئیم قابل اصلاح است زیرا وقتی که به تعالیم الهی توجه

میکنیم هدف ما مشخص میشود کسی که هدف فسی
مشخص دارد گرفتار عقده نمیشود . لهذا ما باید
هدفمان را تشخیص بدیم بدانیم چرابهائی
شده ایم .

برای وصول بهرهدفی سه چیز لازم است اول علم
درباره آن هدف یعنی درباره آن معلومات
کافی داشته باشیم دوم اراده بخرج دهیم
بدون اراده قوی وصول به هدف مقدور نیست
سوم عمل واسباب لازم است یعنی برای رسیدن
به هدف باید به اسباب تشبث نمود . حال ما
هم برای وصول به هدف حقیقی خود ازبهائی
بودن اول باید علم بدان داشته باشیم ، بدانیم
که مقصد از فضائل عالم انسانی چیست و از طریق
تخلیق باخلاق پسندیده تحت لوای تقوای
الهی چگونه باین فضائل برسیم . بایست
تلاوت آیات نمائیم تا علم به فضائل عالم انسانی
حاصل کنیم چون علم بدان بدست آمد فضیلت
نیز بدست میآید پس از آن اراده راقوی کنیم
اراده قوی بعد از ایمان حاصل میشود بعد از
معرفت کامل استقامت پیدا میشود بدون معرفت
ممکن نیست استقامت نمود لهذا باید در آیات
الهی تعمق کنیم در بحریان الهی فرو رویم
وقتی با تلاوت آیات به عرفان کامل مظهر ظهور
نائل شدیم در ما استقامت حاصل میشود مظهر
ظهور را یفعل ما یشاء خواهیم دانست . آنقدر
باید توجه به آیه اتلوا آیات الله فی کل صباح
و مساء نمائیم و عامل شویم که تلاوت آیات
عادت ماشود عادت طبیعت ثانوی میشود اگر یک
روز تلاوت کنیم و روز دیگر ترك نمائیم از تأثیر
عاری میشود طبیعت دستور میدهد که فلان روز
را صبح و ظهر و شام میل کنید میگوید از امسه
دهید اگر یک دفعه کپسولی صرف کنیم کافی نیست

باید همه روزه در وقت مقرر طبق دستور عمل شود
پزشك الهی که فرمود " رگ جهان دردست
پزشك دانا است " امر کرده است که این اوامر
و تعالیم را که در آیات است هر صبح و شام تلاوت
کن وقتی با تلاوت را عادت کردیم اراده ماقوی
میشود . بالاخره در مرحله سوم به عمل و اسباب
تشبث مینمائیم از طریق شرکت در جلسات دعا
در مشارق اذکار در سحرگاهان - شرکت در
مدارس تابستانه و زمستانه - کلاسهای درس
اخلاق - از همین طریق که شما شروع فرموده
یعنی جلسات مخصوص نشر معارف امری که در
آن موضوعات امری را با هم بحث کنیم . از طریق
جلسات سخنرانی های جاذب - از طریق توجه
بمعنویات و احتیاجات جامعه و افراد - باید ببینیم
افراد از ما چه میخواهند ما در بحث مسائل الهیه
قصدمان ادای نطق و خطابه تنهانیست
نمیخواهیم جملات بهم بیافیم میفرماید :

" المنزهة عن همه الالفاظ والكلمات "
ما باید بمعانی توجه کنیم به حقایق توجه کنیم
لفاظی فایده ندارد جلسات ما باید روح داشته
باشد مطالبی که میگوئیم حقیقت داشته باشد
از قلب ارشود تا در قلب هابنشینند و اثر کنند
اینها طرق کار و اسباب کار برای رسیدن به هدف
هستند بنابراین شما عزیزان هرگز در بیان
مسائل با حبا مقصدتان فقط ادای نطق و خطابه
نیست سعی شعاعرتفهم حقایق امریهائی به
افراد جامعه است وقتی این طور بود صحبت های
ماساده خواهد بود . فضائل عالم انسانی را
میشود خیلی ساده بیان کرد آنوقت جاذب میشود
جالب میشود . جوانی گفته بود در فلان درس
و نطق حاضر نمیشود پرسیدند چرا گفت چون
اجرا کنند آن خوب نیست مگر نه این است
که وقتی میخواهیم به سینما برویم اول می بینیم

که اجرا کنند و نقش آن کیست منبهم از این شخص که صحبت میکند خوشم نمی آید پس سعی کنیم مجریان خوبی باشیم یعنی صحبت های ما بیان مطالب ما بنحوی جذاب و جالب صورت گیرد خوب تشریح کنیم ساده بیان کنیم تا همه را جلب کند خشک و سرد و بی مزه و سنگین صحبت نکنیم به ارواح بار نکنیم زیرا نمودند بر ارواح ثقلی بار نکنید بلکه طوری باشد که ارواح سبک شوند تا پرواز کنند سبکبار پرواز کنند .

لهذا یکی از وسائل برای رسیدن مابه هدف این است که مطالب را شیرین و ساده و جذاب و روح بخش بیان کنیم صحبت های ما خسته کننده و کسل کننده نباشد .

حضرت بهاء الله فرمودند: "طیب جمیع علتها ی توذکر من است فراموشش منما" پس این هم یکی از وسائل است که ما را به هدف میرساند یعنی تلاوت آیات و ذکر الهی ملاحظه میفرمائید که وسیله اواصل هدف موجود است تلاوت آیات و ذکر الهی خودش ما را به هدف مان که اطلاع از تعالیم است میرساند . دعا و مناجات اهمیت عظیمی در دیانت بهائی دارد . برای اینکه بتوانیم از امرای مختلفه مستولیه برجهت انسان محفوظ بمانیم یک راه هم این است که ما خودمان را آماده جذب کنیم جذب تعالیم جذب فضائل جذب کمالات . وقتی میخواهیم عکس بگیریم اول درد وربین را بر میداریم اگر برنداریم چگونه نور وارد وربین میشود تا بتواند تصویر را جذب کند ما هم باید پرده هائی که در مقابل قلب ما است و مانع تأثیر نور الهی است از مقابل دل خود دور کنیم .

"وفی قلوبهم غشاوه" زیرا برای دل هضم پرده هائی هست بسانفوس که قلوبشان بنا پرده های مختلفه محجوب مانده است فرمودند

دیگر ملاحظه کنید پرده آنرا چون بردار بنشینند چه خواهد کرد این پرده های حرص و آز و جاه طلبی و مادیت و رفاه طلبی که در جلوی قلب است باید از میان برداشته شود رفع این پرده ها تنها با مدد دعا و مناجات ممکن است یعنی با تلاوت دعا و مناجات درد وربین قلب را بر میداریم برای گرفتن تصاویر تعالیم الهی قلب را آماده می کنیم این است که در دیانت بهائی اهمیت زیادی به دعا و مناجات داده شده است برای حالات و شرایط مختلفه مناجات و دعا داریم از قبل از تولد تا بعد از مردن دعا و مناجات مخصوص داریم اینها برای آنست که ما را با آن حقیقت مرتبط کند "شمع دلت برافروخته دست قدرت من است بیاد های مخالف نفس و هوی خاموشش منما" وقتی نفس و هوی غالب میشود انسان از یاد الهی غافل می ماند .

وقتی کتاب می خوانیم تا زمانی که توجه ما بمطالب کتاب است می خوانیم و می فهمیم همینکه توجه قطع شد می خوانیم ولی نمی فهمیم که چه خوانده ایم پس برای اینکه توجه ما به کتاب الهی و تعالیم الهی معطوف باشد باید افکارمان را از هوی و هوا دور کنیم وسیله آن ذکر الهی است "الابد ذکر الله تستقیر الصدور و تقر الابصار" ولی البته ذکر الهی تنها دعا و مناجات نیست باید آیات تلاوت شود شرط علاج اجرای دستورات پزشکی است اگر دستورات اجرا نشود معالجه صورت نمی گیرد اگر آیات را تلاوت کردیم و با دقت هر صبح و شام ادامه دادیم حفظ می شویم و گرنه جذب عوامل فساد خارج میگردیم - جذب و تحت تأثیر سینه ها - تلویزیونها و مانها و هزاران عامل دیگر فساد که رایج و در سترس است .

جمال اقدس ابهی در لوحی خطاب به حضرت

ابوالفضائل میفرماید : (نسخه خطی)

" از حق میطلبم نفوسی برانگیزاند خالصین لوجهه " یعنی برای تأسیس حیات بهائی باید خلوص نیت در رأس هر عمل قرار گیرد اعمال بهائی با خلوص نیت انجام شود در کتاب مستطاب اقدس فرمودند " اعمال واحدی حیا " لجمالی " اعمال باید به نیت خالص محبت الهی صورت گیرند نه از خوف جهنم و نه با امید بهشت صرفاً " بخاطری در دوستی و عشق بجمال مبارک باشد چون با عشق می ورزیم او امرش را اطاعت می کنیم این خلوص نیت باید در جمیع اعمال روزانه ما وجود داشته باشد . گاهی ممکن است بعضی احکام بظاهر در نظر ما قابل هضم و قبول نباشد همانطور که امروز بعضی از دوستان سؤال میکردند که شاید بعضی از نفوس از رفتار خوب ما سوء استفاده کنند یا بعضی دیگری پرسیدند چطور خود را قانع کنند که در مقابل این همه تعذبات و سوء رفتارها و دشمنی ها حق خود را محافظه نکنیم و گذشت نمائیم البته جمیع این نظرها در مراتب انسانی و بشری ممکن است صحیح بنظر برسد ولی جمال مبارک خواسته است ما را فوق عالم بشری بمقام ملائکه آسمانی پرواز دهد و جامعین فرماید مسلماً " باید صفاتی ملکوتی در ما باشد فوق آنچه عالم و مقتضیات انسانی حکم میکند لهذا اوصول بچنین مقام رفیعی فداکاری لازم دارد . مرحله "مرحله" ترقی و صعود است لهذا این اعمال نیک را بعنوان امید به پاداش انجام نمیدهیم توپندگی چو گدایان بشرط مزد ممکن ند که خواجه خود روش بند و پروری را ما این کردار نیک را تنها به عشق جمال مبارک انجام میدهیم . در مجلسی بیکی از دوستان خواسته بودند مشروب بدهند او نخورد و بود آجو آوردند باز هم رد کرده بود گفته بودند

این چه تعصبی است بخرج میدهد آجو که دیگر مشروب محسوب نیست جواب داده بود عزیزان من من متعصب نیستم من متمسک فرقی است بین این دو زیرا من ممکن است آجو را دوست داشته باشم ولی بهاء الله را خیلی دوست دارم با عشق میورزم چون او گفته نخور نمیخورم ما باید در جمیع اعمالمان عشق بهاء الله را نشان دهیم این است که میفرماید : " از حق میطلبم نفوسی را برانگیزاند خالصین لوجهه تابه تطهیر عالم و عالمیان پردازند " با چنین خلوص نیتی است که میتوان عالم را پاک کرد و عوض کرد میفرماید : " و بحکمت و بیان خلق ربه سلسبیل حقیقی فائز نمائید تا کل بنور حقیقت منور شوند اوصاف و اخلاقیهای کهنه عتیقه مکره را با اسم حق بریزند . "

باسم حق میفرماید : به عشق جمال مبارک بنام بهائیت که مابیان منسوبیم جمیع اوصاف و اخلاق قدیمه عتیقه خود را که بان عسارت کرده بودیم ترک کنیم بعد میفرماید : " و باخلاق روحانیه مقدسه و کلمه طیبه و اعمال حسنه مزین گردند . ای دوستان همتی ، وقت است وقت چندیوم بعد اگر نفوس موجود در زیر تراب مستور از برای این ایام قلیله نباید انسان از حیات باقیه محروم بشود . "

پس هدف ما از حیات بهائی تأمین حیات ابدی و باقی است . حضرت عبدالبها بیان می دهد این مفهوم فرمودند که مثل این عالم نسبت به عالم بعد مثل عالم جنین است به این عالم جنین در عالم رحمی چشم و گوش دست و پا و امثال آن فراهم میکنند که در آن عالم بدر او نمیخورد اگر میتوانست در عالم جنینی صحبت کند ممکن بود

بهر سد که این اعضا و جوارح بچه درد او میخورند او که نمی تواند با چشم جانی را به بیند بادست چیزی را بگیرد با پاره برود با زبان حرف بزند حتی باریه هایش نفس بکشد با معداش غذا بخورد این اعضا به چه درد اومی خورند اما اگر هر یک از این اعضا فراهم نشده به این جهان آمده تولد یابد رنج خواهد برد . ماهم همینطور با سامسائل که در تعالیم الهیه موجود است و مامکن است تصور کنیم در این عالم بچه درد ما میخورند چه ثمری دارند چرا ما به دشمنان خود محبت کنیم که ممکن است آنها را جسورتر نماید ولی باید بدانیم که اجرای این دستورات حکم چشم و گوش و دست و پائی را دارند که

در وصول به عالم بعد برای کمال ماضوری هستند بنابراین باید در فکریات باقیه باشیم از این رفاه و آسایش فانی بگذریم برای کسب آن زندگی جاودانی و باقی خود را کامل نمائیم چون ما بهائیان به عوالم لا تحصی بعد از این جهان خاک معتقدیم چون به بقای روح و حیات ابدی و روحانی اعتقاد داریم این است که سعی داریم حیات خود را بر مبنای تعالیم الهی بنیان گذاریم این نیت عالی فداکاری لازم دارد یعنی حیات فانی را فدای حیات باقی کنیم . تا آنکه میفرمایند " جهدی تا کل فائز شونند با آنچه که اگر اهل ارضید و ام ملک و ملکوت تفحص نمایند شبه آنرا نیابند " . دیده عنصوری نمیتواند مقاماتی را که برای انسان در عوالم بعد مقرر و مقدر شده مشاهده نماید و احساس کند ولی ما چون بحضرت بهاء الله ایمان داریم و بجمیع تعالیمش مؤمنیم و مطمئنیم همه آنها را حق میدانیم و شکی نداریم .

مکرر در بیانات الهی ذکر انقطاع شده که از ما سوای

او منقطع شویم این انقطاع تأثیر فراوانی در تأسیس حیات بهائی دارد اگر انسان انقطاع حاصل نکند به کمال نمی رسد کمالی که هدف دیانت بهائی وصول به آن کمالات است .

مقصود ما از انقطاع از دنیا چیست؟ جمال مبارک در لوحی میفرماید: (نسخه خطی)

" مقصود از عالم اسباب غفلت عبد است از معبود " این که میفرماید از دنیا دل بردارید - از دنیا منقطع شوید منظور این نیست که مادست از کسب و کار و فعالیت برداریم برعکس میفرماید: " بهترین عباد کسی است که با قتراف تحصیل کند " پس کسب و کار لازمه زندگی است مقصود از انقطاع منقطع شدن از کسب و کار نیست بلکه مقصد قطع علاقه از چیزهایی است که ما را از حق و معبود غافل میکند . بعد میفرماید: " و این تخصیص بشری نداشته و ندارد پس سعی بلیغ یابید که الیوم سبحات جلال ترا از عرش ظهور و استقلال منع ننماید " .

بعد میفرماید: " بدایع ذکر مرا فراموش مکن و جز ذکر منیع را در قلب جای مده از اقبال دنیا آنچه در اوست سرور مشو و از انقاد آن محزون مباش مثل دنیا مثل ظل است که حینی موجود و حینسی مفقود است بر چنین چیزی عاقل دل نبند بلکه باطل انگارد " .

پس مقصد از انقطاع دل کردن و ترک علاقه نمودن از این دلبستگی ها است یعنی ثروت و نعمت داشته باشیم ولی این نعمت و ثروت مال ما باشد که در راه خدمت صرف نمائیم نه مامتعلق به این ثروت و مال باشیم که خود و جمیع شئون خود را فدای جمع کردن و حفظ آن نمائیم و از حق و معبود غافل شویم وقتی کسی اسیر دنیا باشد این اسارت و تعلق او دنیا نامیده میشود که او را غافل کرده

است .

بحث نمائیم با جوانان خود تعالیم الهی را زیارت کنیم این توجه بذکر الهی است و غفلت از آن اصل دنیا محسوب است . که دشمن حق است و اگر چنین دنیا که دشمن الهی است دل بستیم حب اعدای الهی بشمار است .

در لوحی دیگر از یک مجموعه خطی درباره حیات بهائی جمال قدم میفرماید قوله الاحلی :

"یا احببا لله لا تختلفوا بینکم فارفعوا ذات بینکم ولا تكونوا غلیظ القلب ان انتم من العارفين" .
این بیان ما را بروش بهائی تعلیم میدهد که اختلاف نکنیم زیرا اصل دیانت بهائی اتحاد و محبت و وحدت است و هر گاه خدای نکرده اختلافی حاصل شد بین خود آنرا رفع کنیم و حل نمائیم نباید سنگدل و کینه توز بود باید گذشت داشته باشیم و هر یکدیگر سخت نگیریم این فرمول حیات بهائی است .

بعد میفرمایند : " فارحموا علی انفسکم و اخوانکم بر نفس خود و بر برادران رحم کنید رحم و مسرت از صفات ممتازه بهائی است نوعی از عدالت است . میفرماید : " ولا تجاوزوا عن صراط السوی و لا تكونن من المتجاوزین وان ظهر من احد ما یکرهه انفسکم او هو یکم فی الدین اوفی الذنیا لا توزه بلسانکم ولا باید یکم بل ذکره بالموعظه الحسنه لیرجع عما کان علیه و یکون من الراجحین" .

امدیم از کسی حرکتی صادر شد که نفس و هوای تو آنرا نه پسندید و مطابق میل تونی بود چه در امور دینی باشد یا دنیائی مباد ابه زبان او را مکدر کنی مباد از زبان ما سبب رنجش نفسی گردد حضرت رب اعلی برای رنجاندن دیه تعیین فرموده بودند جمال مبارک فرمودند " سبب حزن مشوید " این

بعد میفرماید : " چنین گمان مکن که دنیا مقصود از او نعمتهای مقدره در او و بازینتهای مملونه در اوست چه این اشیا مصنوع حقند و مظاهر صنع اویند بلکه مرایای تجلی صنعه الهیه اند و مظاهر تجلی قدرتی بلکه مقصود از دنیا منکرین جمال بیمثال و معروضین از طلیعه بیزوال اینست که تجتنب از چنین اشخاصی لا زوم اعراض واجب در بیانی فرموده اند : " ان الذین ارتکبوا الفحشاء و تمسکوا بالذنیا الا انهم لیسوا من اهل البها " نفوسی که مرتکب فحشاء میشوند و آنانکه بدنیا دل بسته اند یعنی مال دنیا شده اند، نه اینکه دنیا مال آنها شده باشد این نفوس اسیر دنیا اهل بهاء بشمار نمی آیند . ما باید بدنیال کسب و کار رویم فعال باشیم تا از درآمد آن صرف خدمت با مروج عالم انسانی نمائیم . نه اینکه چنان اسیر کسب و کار بیومیه شویم که از خدمت محروم بمانیم . بشما مژده میدهم که در پیامی که اخیرا از بیت العدل اعظم الهی خطاب به احبای ارض صادر شد و انشاء الله همه شما زیارت خواهید کرد ما را متوجه فرموده اند که باید هدف خود را خدمت قرار دهیم نه اینکه خدای نکرده مشغول شدن ما با کار مانع از خدمت نبود و اصل هدف قرار گیرد . بالاخره در آن لوح جمیع جمال قدم میفرماید : " این است که تجتنب از چنین اشخاص لا زوم و اعراض واجب و الیوم اصل دنیا غفلت از ذکر من است و حسب اعدای من " . پس معنی واقعی انقطاع روشن شد . مقصد از ذکر الهی که نباید از آن غافل شویم توجه به تلاوت آیات است باید در خانه ها ماصوت و تموجات آیات در صبح و شام بلند شود و منتشر گردد که تأثیرش حتی در فضای خانه عسایگان ظاهر گردد و با اطفال خود از آیات

حیات بهائی است مانباید با زبان کسی رانجیده خاطرکنیم مقابله بمثل کنیم بلکه باید طرفسان را ازصمیم دل و جان بادوستی فراوان متذکراریم این تذکرهم نباید نوعی باشد که جنبه تنبییه و تأدیبه داشته باشد بلکه نوعی تذکرید هیم که آن شخص بحق راجع گردد و به راه صحیح وارد شود بعد میفرماید: "ایاکم ان لاتشمتوا علیهم ولا تشیعوا اللاحشه من احد" مبادابه کسی دشنام بد هید فرمودند "لسان از برای ذکرمن است اورا بگفتار زشت میالائید" و یا فرمودند "از سب و لعن و مایتکد ربه الانسان اجتناب نمائید". و مباد اعمال ناپسند دیگران را شهرت د هید ممکن است آنچغرض با چشم خود هم دیدید مایشیم خطاب باشد اشتباه کرده باشییم مباد ابعحض مشاهده و یا استماع خطائی کسی از کسی آنرا با کوس و کرنا شهرت د هیم این از اصول حیات بهائی است. میفرماید: "فاستبروه لیسر الله عنکم وانه هو خیر السائرین". برعکس خطای دیگران را بدیده خطاپوش سترکن نادیده بگیرتا خداهم خطایای ترا ستر نماید و بپوشد زیرا خد اوند ستار است مکرر در بیانات الهی زیارت شده که میفرماید احبابا باید مظهر اسم ستار بحق باشند یعنی خد اوند خطای خلق را می بیند و ستر میفرماید ما هم باید اگر خطائی از کسی دیدیم ستر نمائیم. نزد احدی اظهار نکنیم. میفرماید: "لان الناس ما دخلوا الی حصن العصمه" مردم در قلعه بیگناهی وارد نشده اند البته انسان خطا میکند من و شما هم مانند دیگرانیم چه توقعی داریم که دیگران خطا نکنند پس اگر خطائی کرده اند باید بپوشیم. میفرماید: "وما زاد الا حلاوه و التقی" مردم شیرینی تقوی رانچشید هاند اگر چشید ه بودند جز تقوی از ایشان ظاهر نمی شد.

تا اینکه در دنباله این لوح میفرماید: "فاغضوا

عیونکم عن خطای العباد لیغض الله عنکم" از خطای بندگان چشم بپوشید تا اینکه خد اوند نیز بدیده از خطای شما بپوشد. میفرماید: "ثم اغضوا و اصفحوا کما غض الله عنکم فی ایام عمرکم" مردم را عفو و صفح کنید بپوشید همانطور که خطایای شمارا خد اوند نادیده گرفته و آنچه را در ایام عمر مرتکب شده اید عفو فرموده است. میفرماید: "قل یا قوم فاعتصموا بحبل الله" چگونه میتوانیم بحبل الهی بچسبیم و آنرا بدست گیریم؟ راهی جز این نداریم که به آیات الهی متمسک گردیم ملاحظه میفرمائید که باز بر میگردیم به مسئله تلاوت آیات زیرا اگر السواح و آیات را تلاوت نکنیم چگونه می توانیم بدانیم چه کاری خوب است و چه اعمالی بد است

الان در ساعتی است که با هم آیات تلاوت می کنیم هر لحظه مطلب جدیدی بر ما روشن میشود پس هر قدر بیشتر آیات تلاوت کنیم بیشتر در بوظائف خود که در تعالیم الهی نازل شده متوجه میگردیم و خواهیم دانست که حیات بهائی چیست؟ پس با تلاوت آیات در خانه ما تأسیس حیات بهائی میشود - حیاتی که بیت العدل اعظم فرمودند تأسیس آن هم بعهد ه افراد و خانواده هاست و هم بعهد ه مؤسسات و جوامع محلی. ما باید برای روح خود و ترقی و تکامل آن نیز خدمت کنیم پدر و مادر و رتنها موظف به تدارک غذای جسمانی برای خانواده نیستند فرمودند

همانطور که جسم محتاج غذا است و اگر غذا بجسم نرسد غلیل میشود ضعیف میشود روح نیز احتیاج به غذا دارد که بدون آن ضعیف میشود حتی میمیرد. غذای روح مائده منیعیه لطیفه طریه است که تعالیم الهی باشد این است که میفرماید: "فاعتصموا بحبل الله و تمسکوا بحمروه"

الوثنى و كذلك يعظكم العبد ان تكونن من السامعین
ایاکم ان لا تفعلوا ما یفرحوا به اعداء الله ولا تضیعوا
امر الله بینکم وان هذا خیر لکم عن کل ما اردتم
لا نفسکم ان انتم من العالمین . قلب از این
بیان محترق میشود " میفرماید مبادا کاری
کنید که سبب سرور قلب اعدای امر شود دشمنان
ویدخواهان منتظرند اعمال ما قابل ایراد باشد
حضرت ولی امر الله بیانی بدین مضمون فرموده اند:

" مگذارید که حسودان و دشمنان بگویند که علت
پیشرفت امر در گذشته ایام شهادت ای امر بوده اند
که حال چون دیگر نیستند ناچار امر به الله
رو بزوال واضحلال میگذارند . لذا ما باید
بذیل دعا و مناجات متوسل شویم آنقدر دعا
کنیم که قلبمان از غیر حق فارغ شود و محصل
تجلیات انوار عرفان و کانون عشق حضرت رحمان
گردد . میفرماید مبادا کاری کنید که دشمنان امر
دلشاد شوند یا امر الهی ضایع گردد این موفقیت
برای شما بهتر از آن چیزها است که برای انفس
خود خواسته اید تا آنکه میفرماید : فسوف
ینتهی ایامکم کما انتهت ایام الذین کانوا قبلکم
ان افاضتوا یا املاء المؤمنین " ای احبای من
ای عزیزان و مؤمنین بزودی ایام عمر شما تمام
میشود همچنان که ایام ملل قبل از شما
گذشت از این گذشت عمریند گیرید گذشت عمر
پند است در لوحی مضمونی میفرمایند که در
گذشت پدراننداری است برای پسر که توهّم
خواهی مرد حال ما فکر کنیم دیگران که عمری را در
این دنیا باطل کردند چه سود بردند حال ما
پیروی از آنان کنیم پس راه خدا بگیریم و نصیحت
الهی را بشنویم .

میفرماید : کونوا کالاعلام الهدایة بین الناس
بحیث یظهر من وجوهکم انوار الله وعن جبینکم
نضرة النمیم . پرچم هدایت بین مردم

باشید . پس هدف ما در تجلی حیات بهائیس
در زندگی روزمره یکی این است که علم هدایت
بین مردم باشیم تا دیگران با مشاهده اعمال و
رفتار و کردار ما بسوی امر بیایند بطوریکه نور الهی
را در صورت مشاهده کنند چهره مؤمنین
چون مردمان بهشت برین است .

بعد میفرماید : ثم عاشروا مع الناس بالحکمة
با مردم بحکمت الهی رفتار و معاشرت کنید .
حکمت چیست ؟ حکمت این است که از اعمال ما
از رفتار ما از گفتار ما خلق بسوی تعالیم الهی
جذب گردند . تصور نرود که حکمت عبارت از
اعمال مخصوصی است . یک عمل معین یک
کلام معین ممکن است در مورد نزد و مشخص
یک جا حکمت محسوب شود جای دیگری حکمتی
باشد . در روز مخصوص روش تبلیغ عرض شد باید
بدانیم به که ، کجا ، چه مطلب را چگونه بیان
کنیم .

میفرماید : ثم عاشروا مع الناس بالحکمة
تکلموا بالحکمة لیظهر منکم آثار حکمة الله وان هذا
لقوز عظیم . پس هم بحکمت معاشرت کنیم
هم بحکمت تکلم نغاثیم تا آثار حکمت الهی از ما
ظاهر شود این است آن فوز عظیمی که وصول
بآن آرزوی دل و جان ما است . هدف ما است .
مقصد ما است ، حیات بهائی است .

جمال مبارک در لوحی دیگر که در یک مجموعه
خطی است میفرماید : وانک زین نفسک بحبی
ای مؤمن ای بهائی نفس خود را بحبیت من
زینت ده . جمیع اعمال را بخاطر محبت جمال
قدم مزین کنیم اصلاح کنیم . ثم قلبک بذکر
دل را بذکر الهی مزین دار . ثم لسانک به تبلیغ
امری کذلک قدرک فی الواح عز حفیظ . وقتی
قلب را بذکر الهی مزین کردیم و نفس خود را بحسب

خد اوند زینت بخشیدیم کلام ماد رشنوند ه اثر
می کند تبلیغ آسان میشود وگرنه کلام بی ثمر
میگردد .

میفرماید : " ثم امش بین الناس بوقار الله
و سکینه لیظهر منک آثاره بین العالمین " . حتی
طرز راه رفتن ما را معلوم فرموده اند . میفرماید :
بوقار الهی و سکینه الهی راه برو بهائی باید
راه رفتنش باوقار الهی باشد از پشت سر هر کس
او را می بیند بشناسد که این راه رفتن مخصوص
یک بهائی است . آیاتعجب می کنیم که حضرت
قدوس حضرت اعلی را از پشت سر دید که راه می رفتند
و شناخت که مظهر ظهور و موعود منتظر است . این
از وقار و سکینه الهی بود که در راه رفتن حضرت
مشهود بود . پس حتی راه رفتن ما هم مهم
است باید وقت کنیم راه رفتن بهائی باشد .

از مهاجرت هدف ما چیست ؟ ما مهاجرت می کنیم
که مردم نمونه ای از حیات بهائی را در ما ببینند
و مشتاق گردند تا آنها هم بهائی شوند . گاهی
سطح وسیعی از جلد مجروح میشود که التیام
مشکل میگردد پزشک قطعاتی از نسج سالم را
پیوند میکنند این نسج سالم بتدریج زیاد میشود
تا سطح مجروح التیام حاصل میکند این همان
کاری است که ما از مهاجرت منظور داریم نفوس
خوش رفتار خوش کردار نیک خوب با محبت الهی
به نقاط لازمه روند و بتدریج با اعمال نیک
و گفتار نیک دیگران را مجذوب تعالیم الهی
نمایند و عالم مجروح التیام پیدا کند یعنی از
مهاجرت مقصود نشان دادن نمونه ای از حیات
بهائی است . میفرماید : " ان اشتعل فی
نفسک من هذا النار التي اوقدها الله فی قطب
الجنان لیحدث منک حرارة الامر فی افئدة
الذین هم آمنوا بالله وکانوا من المؤمنین " باین

آتش محبت الهی که خد اوند در قلب تو روشن
کرده مشتعل باش . " کن کشعلة النار لاعدائی
و کوشرا لبقا لاحبائی " با چنین آتش محبت
مشتعل شو و پرده های غفلت دیگران را بسوز
و از حرارت عشق تو امر الهی در قلوب دیگران
سرایت کند . میفرماید : " ان امش علی اثری
بر اثر اقدام حق راه برو . حضرت عبد البهاء
مثل اعلا دیانت بهائی است . حضرت
بهاء الله ایشانرا چنان معوث فرمود تا اعمال
و رفتار او سرمشق همه انسانها شود حضرت
عبد البهاء پس از ۶۰ سال اسارت و حبس در
حالی که سه مرض بر وجود مبارکش مستولی بود بمحض
باز شدن در زندان و حصول آزادی به اروپا
و امریکا سفر کرد تا تبلیغ امر بهائی نماید این
یک نمونه برای زندگی همه ما بود . میفرماید :
" ولا تکلم الا علی الصدق الخالص ثم اخضع
لعباد الله الموحدين " . بهائی جزا است
تکلم نمی کند . در مقابل بندگان موحد خدا
فروتن باش غرور و گردن کشی صفت بهائی نیست .
در لوحی فرمودند انسان با خضوع مقامش
بالا میرود و با غرور تنزل میکند همه کسانی که
از امر بعثت نقض خارج شدند مغرور بودند
در طوفان شدید درختهای تنومند متکبر
که مقاومت شدید و غرور عظیم دارند از ریشه
کند میشوند و زمین میافتند نه نهالهای متواضع
کوچک که در مقابل باد تواضع می کنند خم میشوند
ولی کنده نمی شوند خضوع داشته باشیم درخت
خضوع در اعمال و رفتار خضوع در همه جا ،
میفرماید : كذلك یفطک لسان الامران استمع
بعامرت ثم اعمل به لتکون من الفائزين " .

لهذا امید داریم این مواظب الهی را آمیزه گوش
هوش کنیم و با توجه بآیات الهی و اجرای تعلیم

« اتلوا آیات الله فی کل صباح ومساء » قلوب
خود را پاک و مطهر و نفوس خود را منزه و مقدس
سازیم و بصفات بهائی متصف گردیم و با حیات
بهائی در بین خلق رفتار نمائیم تا نمونه بهائی
باشیم .

فعلا این اندازه که عرض شد کافی است باقی
را میگذاریم تا هر یک خود با تلاوت آیات متوجه
گردیم و فرمول زندگی خود را بدانییم و عسل
کنیم .
فدای شما

خانه های پرشکشی

● از تبلیغ خانواده ها و برنامه تشکیل خانه های بهائیی در آفریقا و آمریکا جنوی شنیده بودیم خواستیم اگر موافقت بفرمائید گزارشی از این طرح در آهنگ بدیع داشته باشیم .

● جناب مهاجر
حالا که تقریبا " بیست سال از شروع تبلیغ جمعی در آفریقا و آسیا می گذرد و وقتی به پشت سرنگاه می کنیم میتوانیم علاوه بر موفقیتها مشکلاتی را هم که در این زمینه داشته ایم بررسی کنیم و راهبائی برای رفع آنها بیابیم .

در تبلیغ جمعی ما اغلب با افراد بسیار در اجتماعات مختلف روبرو میشدیم که چون با امر مبارک آشنا

گزارش زیر مصاحبه کوتاهی است که در یکی از روزهای اقامت اخیر ایادی ام‌الله جناب دکتر مهاجر در طهران با ایشان داشتیم .

سه نفر بودیم و ضبط صوت هم همراه داشتیم که صحبتها را ضبط و بعد تنظیم کنیم ولی ایشان با ضبط موافقت نکردند ناچار این فقط با زنبوس مطالب بصورتی است که در خاطر یکی از آن سه نفر مانده و در نفر دیگر تکمیل و تصحیحش کرده اند . اگر لحن نوشته نرمی و آرامش بیان جناب دکتر مهاجر را دقیقا " منعکس نکرده تنظیم کننده راجز توضیح بالا عذری نیست .

میشدند استقبال میکردند و میخواستند که نامشان در دفاتر سجلات امری ثبت شود اینها باید پذیرفته می شدند و کسی نمیتوانست ایشانرا از عضویت جامعه بهائی محروم کند. ولی اغلب تشکیلات و محافل ماقدرت و فرصت آبیاری این نونهالهارنداشتند. پس این شکوفه های تازه می پژمرد.

ما بسیاری از این بهائیهای جدید را در آفریقا یا در هندوستان گم می کردیم بکسانی را که در یک خیابان در یک رستوران یا در یک کفرانس از امر شنیده بودند بهائی شده بودند و بعد دیگر خیری و نشانی از آنها نداشتیم. چرا اینطور بود؟ چون بایهائیهائی مواجه بودیم که از طرفی از امر بسیار کم میدانستند و از طرف دیگر در یک کانسون بهائی نبودند. این نونهالها باید مدتی آبیاری می شدند تا ریشه کنند و نیز مرند.

برای رفع این اشکال یک راه تکمیل اطلاعات این افراد و عمیق کردن آنها در معارف امر است که البته زمان میخواهد.

یک راه دیگر اینست که اینها تنها نمانند و در یک کانون بهائی زندگی کنند. یعنی مثلاً اگر همه اعضا یک خانواده با مراقبال کنند گروهشان نیروی بیشتری برای حفظ ارتباط خویش با امر مبارک خواهد داشت.

پس فکر کردیم کار تبلیغ را از خانه ها شروع کنیم یعنی هر کس اطلاعی از امر خواست با او خانهاش برویم با خانواده اش آشنا شویم و امر را به همه اعضا خانواده اش ابلاغ کنیم. ای بسا که همین استعداد روحانی که در یکی از افراد خانواده بوده در سایر اعضا آنها باشد. آنوقت اگر بقیه هم اقبال کردند در همان منزل مناجاتی

می خوانیم و این ترتیب خانوادهای در ظل امر وارد میشوند و یک خانه بهائی تأسیس میشود. حتی در برنامه های تبلیغی بجای اینکه دوهزار نفر را تک تک تبلیغ کنیم قرار میگذاریم که امر را فرضاً به سیصد خانوار ابلاغ کنیم. وقتی عده افراد خانواده هائی که بهائی شده اند به هزار نفر رسید لااقل صد نفر از جوانان و نوجوانان آنها را که مستعدترند با معارف امر بیشتر آشنا می کنیم و این منظر دو معلم تمام وقت می گاریم و تا این کار انجام نشده در آن مجلس سراغ تبلیغ افراد جدید نمی رویم. الان ما برای ۲۱ کشور آفریقائی ۳۵ معلم میخواهیم که عده کمی رفته اند و بقیه باید بروند البته عده ای هم باین کشورها رفته اند ولی نه بصورت معلم بلکه بعنوان مهاجر، دنبال کار رفته اند عضو تشکیلات و محافل شده اند و از این قبیل ولی ما معلمینی می خواهیم که تا حدودی زبان بدانند اطلاعات امری داشته باشند و تمام وقت خود را صرف تعلیم جوانان و نوجوانان بهائی بکنند.

وقتی این خانه های بهائی تأسیس شد بتدریج سعی خواهیم کرد افرادش را با معارف امر آشنا تر کنیم. باین عاقله های بهائی می گوئیم که وقتی یک خانواده بهائی میشوند باید وضع خانه شان هم فرق کند در واقع در خانه آنها شعله ای افروخته شده که باید در حفظش بکوشند باین خانه باید بچشم یک معبد کوچک بهائی نگاه کرد. این خانه عزیز است و احترام دارد. یعنی همانطور که مثلاً در معبد مشروب نمیخوریم در معبد دشنام نمی دهیم و دعوانمی کنیم و مانند اینها در خانه بهائی هم نباید این کارها را بکنیم البته این نکات را بتدریج باید یاد داد.

هست . یعنی لا اقل تغییر شکل و اوضاع
بسرعت شهرها نیست .

● اشاره فرمودید بلزوم تبلیغ خانواده ها و اینکه
ارتباط افراد تنها را بعداً با شکل میتوان بنا
امحفظ کرد . مادر صدرا مرد را بران هم تبلیغ
جمعی داشته ایم یعنی عده زیادی با مـ
مارك اقبال کردند و بسیاری از آنها حتی
بخاطر ایمان با مـمارك از خانه و خانواده شان
رانده شدند . پدر از سر مادر از فرزند زن از
شوهر جدا می شدند و شاید همین مخالفت
خانواده هم تا حدودی باعث تقویت نیروی ایمان
و تشجیع آنها میشد و بنظر می آید این تنهائی
مانعی برای آنها نبود .

● جناب مهاجر

بله طی اشاره شما بتاريخ امر حضرت باب است
که يك نهضت انقلابی روحانی بود (REVOLUTION)

جوانانسی اقبال میکردند و از خانه و خانواده
و اطرافیان جدا میشدند و راه اعتقادشان جان
هم می باختند ، ولی امریهائی يك نشو و ارتقاء
تدریجی روحانی بود (EVOLUTION)
و تمکن و اتساع امریهائی در ایران صورت
نگرفت مگر وقتی که عاقله های بهائی بوجود آمدند.
خانه هائیکه در آنها بچه های بهائی بزرگ
شدند . در آغاز از آنها تشکیلات نداشتیم آنچه
ارتباط ما را با مـ حفظ کرده همین خانواده های
بهائی بود حتی تشکیلات مادر بسیاری از اوقات
تحت شرایطی محدود یا تعطیل میشد ولی
عاقله های بهائی روحانیت و تمسك با مـ
را در بین افراد خود حفظ میکردند .

در افریقا يك ساله مادر تبلیغ همین بود که

داشتن این خانه های بهائی علاوه بر آنکه
يك يك احباء را در يك کانون بهائی نگه
میدارده تشکیلات و محافل هم کمک میکند که
بدانند این افرادی که تازه در ظل امر آمده اند
کجا هستند خانه شان کجاست و دسترسی با آنها
چطور ممکن است .

● اگر خواهیم با اینها فقط بانها نی که از
مسکنتان داریم تماس بگیریم آیا احتمال آن نیست
که باز با تغییر مسکن این خانواده ها را گم کنیم؟

● جناب مهاجر

خیلی کم جانم . معمولاً تغییر مسکن در بین
بومیها و دهاتیها خیلی کم است بخلاف شهرها
بزرگ که آدمها دائماً خانه بدوشند . آمار
نشان میدهد که در ایالات متحده ظرف یکسال
سی میلیون نفر مسکنتان را تغییر میدهند این
بیش از کل جمعیت کشورهای امریکای مرکزی
است . ولی در دهات و بین بومیهای افریقا
و امریکای جنوبی وضع چنین نیست اگر یک
خانواده بهائی را در يك ده بشناسیم
با احتمال زیاد بعد از ده سال آنها بـ
بازماندگان نشان را در همان محل که می شناختیم
خواهیم یافت ولی در شهرها اینطور نیست .

من خودم وقتی که بیست سال داشتم سفری به
آذربایجان کردم و در شیشوان بخانه
يك خانواده بهائی رفتم بعد باندونزی رفتم
۲۵ سال بعد در سفری با ایران باز بشـشـران
و همان خانه رفتم هنوز عیناً شکل و وضع
۲۵ سال پیش را داشت حتی جای میز و
صند و قچه روی آنها تغییر نکرده بود . این
وضع در اغلب جاهای کوچک و دهات

خانواده بهائی نداشتیم بجمع احبای افریقای که می رفتیم اغلب مرد بودند زن و بچه در جامع بهائی نمی دیدید. در هندوستان اینطور نبود چون شیرین خانم (خانم شیرین بومن عضو هیئت مشاورین قاره ای در هندوستان) امر اربزبان محلی بزنها ابلاغ میکرد و در نتیجه زنان بهائی هم داشتیم.

وقتی بهائی بودن جزء زندگی یک خانواده میشود یعنی در خانه شان مطرح باشم و نه فقط در مواقعی که جلسات بهائی میروند آنوقت است که امر در دل آن افراد ریشه کرد و عمیق و محکم میشود.

● این روش تبلیغ در کجا ها شروع شده است ؟

● جناب مهاجر

غلا" در امریکای جنوبی و مرکزی و افریقا در ساحل عاج تانزانیا و کامرون .

● اینها چه زمینها افتادی دارند ؟

● جناب مهاجر

بیشتر مسیحی هستند البته خیلی کم اطلاعند انجیل را بسیار خوانده اند ولی فقط داستانهای آنرا می دانند ولی از ظهور مظاهر الهی ، استمرار فیض الهی و از این قبیل مطالب استنباط دقیقی ندارند .

● آیا تبلیغ امر در تانزانیا دچار محظوراتی است ؟

● جناب مهاجر

بصورت اعلان عمومی بله ، محدودیت دارد ولی تبلیغ در خانواده ها هیچ محدودیتی ندارد

یعنی وقتی خواستیم از طریق مطبوعات و تلویزیون امر ابلاغ کنیم البته حکومت و دولت می خواهند با مطالعه وقت چنین اجازای بدهند و شاید حتی نظر سیاستهای مانع شوند ولی برای تبلیغ فردی و خانوادگی هیچ محظوری نیست . در تبلیغ خانوادگی همه افراد از کوچک و بزرگ می توانند اقدام کنند .

● سال گذشته در یکی از گروه های بهائی که از ایران با فریقا میرفت من (یکی از سه نفر) دختر پنجساله ام را همراه داشتم . روحیه خانم خیلی تشویق کردند که این همراه بردن بچه کوچک موثر خواهد بود زیرا وقتی این افریقایها ببینند بچه شما با بچه آنها بازی می کند و بینند شعاع عزیزترین کس خود را بین آنها برده ای . احساس محبت میکنند .

● جناب مهاجر

یقیناً همینطور است اینها مردمی خوش قلب و ساده هستند بچه ها هم ساده تراز بزرگها هستند اینست که اغلب این بومیها بچه ها بهتر می توانند مانوس شوند و یک لبخند بی پایان بر ابروی بچه ، یک دهن با محبت بچه بطرف آنها خیلی زود می تواند محبتشان را جلب کند ولی ما خود مان اغلب نمی توانیم بایسن سادگی با آنها رفتار کنیم .

خوب ، حالا فکری کنید در ایران هم بشود این برنامه خانه های بهائی را اجرا کرد ؟

● اگر هم نتوان عیناً اجرا کرد لا اقل برای اطلاع احبای ایران این طرح و اقدامات را در آهنگ بدیع منعکس می کنیم .

جناب مهاجر ● حتی شاید بتوان بشکلی در ایران هم چنین روشی را اجرا کرد. داشتن خانه های بهائی کانونهای روحانی خانوادگی در هیچ جا اگر بخواهیم غیر ممکن نیست.

ببینید هر کس بتنهائی دعا و مناجات میخواند چه اشکالی دارد که هر روز همه اهل خانه با هم بنشینیم و یک مناجات هم در جمع بخوانیم که این روحانیت بهائی در جمع خانوادگی ما باشد.

این کلاسهای نشر معارف برای خانواده ها را میتوان در نواحی و محلات مختلف اجرا کرد. بچه های بهائی را در تابستانها در فواصلی که بتوان پیاده رفت (

در یک خانه جمع کنیم و با آنها مطالب امری بیاوریم) تمام درس یکساله کلاسهای درس اخلاق را میتوان پانزده روزه آموخت برای طهران باین وسعت یک مدرسه تابستانه حدیقه با صد شاگرد که بیش از نیمی هم از شهرستانها می آیند کافی نیست. مادر محلات مختلف و خانه های احباب

می توانیم کلاسهای تابستانه داشته باشیم و این بچه ها را که در تابستان وقتشان واقعا بی برنامه از دست می رود و هم جمع بکنیم تا هم بیاورند و هم مشغول باشند. الان این کاتوشا (دختر هشت سالگی که آنجا بود) از اول تابستان تا کنون ۲۵ فراز کلمات مکتوبه را از حفظ کرده البته خودش از رو خوانده و مثلا بجای حصد می خواند هشد طی خوب ایمن علاقه و استعداد را داشته است. خوب اگر برای اینها کلاس باشد چقدر پرورش پیدا خواهند کرد. می توانیم باینها درس تبلیغ بدهیم حضرت طی امرالله میفرماید تاریخ ادیان کتب اسطانی والواح و آثار را به بچه ها بیاموزید خوب ما میتوانیم این درس تبلیغ را

در تابستان برای بچه ها داشته باشیم مثلا در ایران قرآن احادیث بشارات ظهور و زاین قبیل مطالب تبلیغی را به بچه ها بیاموزیم.

● شافکومی کنید آموزش این روشهای قدیمی تبلیغی الان مفید است؟

جناب مهاجر ●

البته جانم، چون هنوز در جامعه ما کسانسی هستند که باین چیزها اهمیت میدهند یا حتی اگر آن روش بنظر رسان قدیمی است روش تبلیغی حضرت عبدالبها را یاد بدهیم از تعالیم امر برای بچه ها صحبت کنیم طی بهر صورت درس تبلیغ داشته باشیم یک مشکل مادر ایران اینست که در کلاسهای درس اخلاق مباحث تبلیغی کمتر داریم. بچه های ما احکام را می آموزند میدانند که باید نظافت را رعایت کرد یا غیبت نکرد و امثال اینها طی درس تبلیغ کمتر دارند اینست که وقتی بزرگتر میشوند آماده برای تبلیغ کردن نیستند.

این چیزها را باید از بچگی آموخت ببینید حتی اگر می خواهید علاقه بمهاجرت را در افراد بوجود بیاورید باید از بچگی آنها را بصافرت ببرید تا جاهای مختلف را ببینند و این میل بدیدن جاها و چیزهای تازه در آنها تقویت شود. داستانها مهاجرین و فاتحین امر را برای بچه ها تعریف کنیم. مثلا شرح اقبال اولین رئیس قبیله در افریقا یا شرح نفوذ امر در استرالیا و امثال اینها. اینها وقایعی است که بسیاری از قهرمانان آنها هنوز زنده اند آقای اولینگا بین ما هستند آقای نخجوانی بین ما هستند. خوب ایمن داستانها را برای بچه ها تعریف کنیم.

این بچه ها سرطامه های آینده ما هستند هر

چه امروز برای پرورش بهتر آنها در ظل امر
کوشش کنیم جا دارد .

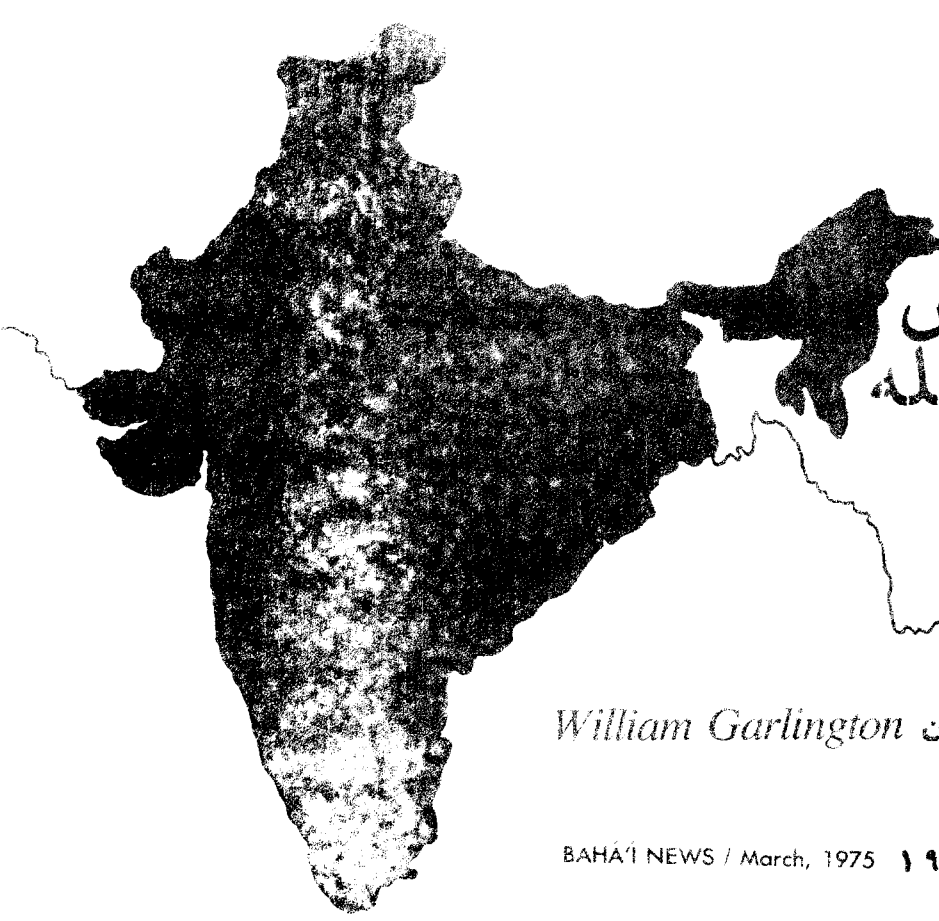
محیط خانه هایمان را طوری بسازیم که مناسب
پرورش و تکامل روحانی این بچه ها باشد
کانونهای عشق و محبت و روحانیت باشد .

ای کوی تو قبله نمازان

اندوه تراچه چاره نمازان
ای کوی تو قبله نمازان
افزود بدل غم تو نمازان
دریای توجان و سر بهمازان
ای اشک مکن توفناش رازن

ای برده زیاد خود نیمازان
گفتی بدعا زغم توان رست
خواندم همه شب دعا ولیکن
من زنده آندمم که از شوق
بنهفته حدیث عشق خوشتر

نصرالله عرفانی



تاریخ پیدایش و پیشرفت امرالله در هندوستان

قسمت اول

● بقلم: ویلیام گارلینگتون William Garlington

● ترجمه: ناهید افشار

● بهائی نیوز مارچ ۱۹۷۵ / BAHÁ'Í NEWS / March, 1975

حال حاضر از سواحل این کشور گرفته تا
مرزهای دور افتاده آن در حال رشد و توسعه
بوده و یکی از پرجمعیت ترین جوامع بهائیس در
میان پیروان امرالله است.

مردم هندوستان از زمان اظهار امر حضرت اعلی
بائمهالم جدید آشنا گردیدند. مورخین
متعدد در صحبت از سنجین و مستشرقین و مستشرقین
امرد هندوستان نمودند. جناب تیل اعلی
بین اصحاب حضرت باب از شیخ سعید هندی
(از حروف حق) یاد میکنند که از جانب آنحضرت

یکی از نکات بارز در مطالعه تاریخ هند تأثیر
ادیان مختلف در پایه گذاری فرهنگ این کشور
است. آثار سه مذهب بزرگ هند و بسود او
اسلام، هریک بنه خود، در تحول فرهنگ
هندوستان مشهود است. در عصر حاضر
سیحیت نیز در این امر سهم بوده است. چنانکه
در بیان بهائی فصل جدیدی است که بکتاب
تاریخ فرهنگ هند اضافه گردیده است.

آنچه که ما بر آن داشتیم به مطالعه امر در این
کشور بهر از آن جامعه بهائی هند است که در

مأمراعلان کمالله شد و به نقاط مختلف فارس و موطن اصلی خویش هندوستان سفره... ای متعددی نمود . یکی دیگر از مومنین هندی جناب سید بصیر است که از نعمت بینائی محروم بودند . بر اساس تاریخ نبیل جناب سید بصیر توسط جناب شیخ سعید هندی بام... حضرت باب اقبال نمودند و سپس به خدمت امر آنحضرت قیام کردند در کتاب تاریخ جدید در مورد اقبال جناب سید بصیر به امر مبارک چنین آمده است که ایشان در شهر بمبئی از اظهار امر حضرت باب اطلاع یافتند . اول بمبئی

فارس شتافتند و بالاخره در مکه بحضور مبارک رسیدند و ایمان آوردند . بعد از این ملاقات به فارس بازگشته و تبلیغ امر حضرت باب مشغول شدند . در هر دو تاریخ از ایمان و فعالیتها و فداکاریهای جناب سید بصیر سخن رفته است . عاقبت فعالیتهای جناب بصیر موجب جلب نظر مقامات دولتی و زندانی شدن و بالاخره شهادت ایشان شد . در تاریخ جدید چنین نقل شده است که بعد از بالاگرفتن امر در مازندران جناب سید بصیر هاجم عراق شدند و در بروجرد بدستور حاکم وقت بعزت داشتن بی...



فصیح زبانشان بریده شد و سپس به مرگ محکوم گردیده و به شهادت رسیدند .

سومین شخصی که در تاریخ جدید از جطــــه پیروان متقدم هندی از وی نام برده شده و در تاریخ نهیل نیز با شباهت هائی از او ذکر گردیده است جناب قهرالله هستند . ایشان بعد از اینکه هنگام خواب در رویائی حضرت باب را زیارت می نمایند با پای پیاده عازم ایران میشوند و بنهارت ایشان در زندان چهریق ناکــــل میگردند و ایمان میآورند و بلقب قهرالله مقنصر

میشوند . سپس به تبلیغ تعالیم حضرت باب قیام می نمایند که منجر به دستگیری ایشان در خوی میگردد . جناب قهرالله همراه با تعداد دیگری از پیروان حضرت باب مضروب و در خیابانها گردانده میشوند . در تاریخ نهیل از همین شخص ذکر شده که با پای پیاده عازم هندوستان میشود و خبر ظهور قائم موعود را به گوش مردم آن دیار میرساند ، بعد از بازگشت به هندوستان دیگر خبری از فعالیت ها و نحوه زندگانی ایشان نیست .

در شرح واقعه قلعه شیخ طهرسی در میان ۳۱۸



نفرهایی که بد فاع از قلعه قیام نمودند از چهار نفر
بابی هندی نیز نام برده شده که دلیلی بر
وجود پیروان هندی در هنگام ظهور حضرت باب
است .

آنچه که میتوان اظهار داشت اینکه فعالیت‌های
مقبلین هندی در زمان حضرت باب تنها به ایران
ختم نشده است . زیرا جناب شیخ سمیع
هندی بعد از مراجعت به هند از تبلیغ خود در
هند وستان به نتیجه‌های نرسیدند و در
بازگشت جناب قهرالله به هند نیز تردید هست .
آنچه که از تاریخ جدید میتوان نتیجه گرفت
اینست که آگاهی جناب بصیر از ظهور حضرت باب
در بعضی نوعی اطلاع و الهام خصوصی است و
بنابراین بهتر است که بگوئیم در زمان حضرت
باب امر جدید در اقلیم هند وجود نداشت .

سال ۱۸۷۲ در تاریخ دیانت بهائی در هند
سال برجستهای است . زیرا در این سال بود که
جناب جمال افندی به بعضی وارد شدند و شروع
به تبلیغ و تعلیم عقاید و اصول دیانت جدید
نمودند . در زمان شهادت حضرت باب در
سال ۱۸۵۰ چند نفر از بابیه در بعضی سکونت
نمودند و بخصوص در میان اجتماع پارسی‌های
هند جای گرفتند ولی پیشرفت قابل توجهی
در زمینه ابلاغ پیام حضرت باب حاصل نشد .

در سال ۱۸۷۱ حضرت بهاءالله که در سجن
عالمسجون بودند از میان کسانی که از درون زندان
به زیارتشان نائل میآمدند جناب سلیمان خان
تنکابنی معروف به جمال افندی (۱) را مأمور
تبلیغ امرالله در هند وستان فرمودند . جناب
جمال افندی که بزبانهای فارسی و عربی تسلط

داشتند ، همراه بایگی از خویشان خود ، جناب
میرزا حسین ، در اواخر سال ۱۸۷۲ از پور سعید
مهرانم هند وستان گردیدند .

جناب جمال افندی طی مدت اقامت خویش در
شهر بعضی بابیه‌های از امر مبارک و اصول و اعتقاد
آن صحبت داشتند . در یکی از سخنرانی‌هایی که
برای پیروان طریقه خوجه (یکی از شعبه باب
مذهب اسلام در هند) ایراد داشتند خصوصت
تعدادی از رهبران مذهبی بعضی برانگیخته
شدند و جناب جمال افندی و جناب میرزا حسین
بنابه توصیه دوستانشان به ترک بعضی ناگزیر
گردیدند . هر چند که مدت اقامت این دو
معلم روحانی در شهر بعضی کوتاه بود ولی نتیجه
زحمات و فداکاریهای آنها و را امروزه بسیار

شهریند ری بعضی هم اکنون صاحب پر جمعیت ترین
جوامع بهائی هند است . بعد از ترک بعضی
در تبلیغ روحانی به نقاط مختلف هند سفر نمود
در تمام طول راه به ابلاغ امر حضرت بهاءالله
مشغول بودند . روزنامه اخبار امری هند وستان (۲)
از جناب جمال افندی چنین نقل مینماید :

... جناب جمال افندی حادث داشتند که
هنگام رسیدن به هر محلی ورودشان را با اطلاع
بالاترین مقام اداری و یا شاهزاده حاکم
سلطان آن محل میرسانند . سپس بملاقات
وی می شتافتند و پیام الهی را بایشان ابلاغ
می نمودند . صورتی از اسامی اشخاصیکه
جناب جمال افندی پیام حضرت بهاءالله را
به آنان ابلاغ نموده اند موجود است و حاکی
از اینست که افراد مذکور همگی دارای بالاترین
مقام بوده و از جمله حکمرانان و شاهزادگان

هند آنزمان بوده اند .
 در سال ۱۸۷۶ يك اجتماع تاريخی در بيهيتخت
 مغولی در هلی تشكيل گردید . این اجتماع بخاطر
 عنوانی بود که به ملکه ویکتوریا دادند و وی را
 امپراطور هند نامیدند . کسانی که در این جشن
 حضور یافته بودند همگی از صاحب منصبان و
 حکمرانان و شاهزادگان نقاط مختلف هند بودند .
 جناب جمال افندی در این اجتماع تاریخسی
 فرصت یافتند که با همان روش خود به تمداد
 کثیری از شرکت کنندگان در جشن پیام حضرت
 بهاءالله را برسانند . از جمله کسانی که بسوی
 ابلاغ کلمه شد جناب سوامی دی آند ساراوات
 موسسی فرقه آریاساماج بود .

در ابتدا اظهارات جناب جمال افندی در هند
 با وجودیکه با توجه و ادب مردم هند رو
 بود ولی گاهی نیز اشکالاتی بهار میآورد . در مدت
 یکسال مسافرت به نقاط مختلف هند تنه
 عده معدودی با مرقبال نمودند . هنگامیکه
 جناب جمال افندی در سال ۱۸۷۸ به قس
 آسیای جنوب شرقی هند را ترک میفرمود
 مؤمن فد اکارو ممتاز را که صارت بودند از جناب
 رفیع الدین خان از شهر حسن پورو جناب سید
 مصطفی رومی از شهر مدرس و جناب حاجی رمضان
 از شهر امپور . جناب سید مصطفی رومی
 علاوه بر خدمات شایانی که در هند وست
 نمودند ، در برمه نیز به تبلیغ امر مبارک مشغول
 شدند و در شهرهای رانگون و مندالی به تأسیس
 تشکیلات بهائی موفق گردیدند . (جناب
 سید مصطفی رومی در سال ۱۹۰۶ ، بعد از صعود
 به مقام ایادی امرالله متخیر گردیدند) .

توسعه امرطی بیست سال بعد در هند وستان
 بطئی بود . ولی کلمةالله به اغلب شهرهای هند

هند وستان رسیده بود . در این دوره تبلیغ
 و تعلیم امر بسویله محافل روحانی شهرهای
 بمبئی و کلکته و مدرس اداره میگردد . کم کم
 با برنامه های تبلیغی مراکز امری و فعالیتهای
 انفرادی ندای امر به گوش جوامع و افراد تحصیل
 کرده رسید .

در زمان حضرت عهد البها افراد متعدد در امور
 تبلیغ در هند وستان گردیدند . از جمله جناب
 آقامیرزا محمود زرقانی و جناب آقامیرزا مه
 جناب آقامیرزا مهرا در شهر بمبئی اقامت گزیدند
 و بر اهنمائی طالبین پرداختند و جناب آقامیرزا
 محمود زرقانی بعد از مسافرت های متعدد در
 موطن اصلی خود ایران بازگشتند . فعالیتهای
 تبلیغی جناب آقامیرزا مهرا و جناب آقامیرزا
 محمود زرقانی سرتاسر هند وستان را فراگرفت
 بطوریکه تا سال ۱۹۰۸ کشور هند وستان علاوه
 بر محافل روحانی محلی بمبئی و کلکته و الیگ
 و لاهور دارای محافل روحانی محلی متعد
 دیگری گشت . در بین جوامع بهائی هند
 جامعه بهائی بمبئی فعالانه تر از سایرین در
 تبلیغ و تعلیم امر و نیز ترجمه آثار امری به زبان
 محلی شرکت نمود . فعالیت های جامعه
 بهائی بمبئی در مورد ترجمه کتب امری بسیار
 قابل توجه بود بطوریکه برای اولین بار آ
 و الواحی از حضرت بهاءالله بو زبان محلی
 ترجمه گردید و دامنه اقدامات جامعه بهائی بمبئی
 مورد تحسین اغلب مسافریین از جمله یکی از احب
 امریکائی بنام جناب سید نی اسپراک قرار گرفت .
 ایشان در سال ۱۹۰۸ از فعالیت های امری
 جامعه بهائی بمبئی چنین یاد میفرمایند :

در هر هفته سه جلسه تبلیغی برگزار میگردد
 که قریب هشتاد تا صد نفر در آن شرکت مینمایند .

جناب اسپرآگ ضمن تأکید اینکه تصدیق امر مبارک در هند کارسادهای نیست می نویسد . " اظرب بمفهوم از خود گذشته است بدین معنی که منجر به از دست دادن دوستان ، دارائی و مقام و موقعیت های اجتماعی میشود . "

در ژانویه ۱۹۱۰ در یک اجلاس که از پیروان مذاهب مختلف هند در الله آباد تشکیل گردید از جامعه بهائی هند نیز دعوت بعمل آمد که جناب سید مصطفی رومی با اتفاق یکی از مؤمنین در این اجلاس شرکت نمود و در مورد تعالیم حضرت بهاء الله نطق ایراد کنند . از نامهائی که در این زمان به احباء امریکان نوشته شد چنین برمیآید که نطق جناب سید مصطفی رومی در شنوندگان که نمایندگان مذاهب مختلف هند بودند تأثیر وافر گذارده بطوریکه جامعه بهائیس هند احساس نمود که هنگام تبلیغ جمعی فرا رسیده است و بدین جهت خواستار اعزام مبلغین و معلمین امریکائی گردید و حدود یکسال بعد یک جهاد ملی تبلیغ بکمک معلمین امریکائی مرحله اجرا درآمد . برنامه تبلیغی توسط هیئت مبلغین که شامل نوزده نفر بود پایگذاری شد . این شعراء تاریخ اول اوت ۱۹۱۱ رسماً شروع به کار کرد .

در موفقیت این شعراء اقدامات دو تن از خانمهای تبلیغ امریکائی تأثیر بسزائی داشت که هارت بودند از خانم لوانگتسینگر که از جانب حضرت صدالبهائه مأمور تبلیغ و تعلیم امر در هند وستان شده بودند و خانم استانرد که به تحصیل در رشته تطبیق مذاهب مشغول بود و دعوت جامعه بهائی هند را برای نشر نفعات الله پذیرفت و به هند مهاجرت نمود . چندین سال ایندو خانم فدآکارا از محلی به محل دیگر مسافرت نموده و

نطق های تبلیغی برداختند . خانم گتسینگر در ملاقات های متعدد با گروههای مختلف مردم به شرح و بیان احکام و تعلیمات بهائی اقدام مینمودند که از جمله میتوان ملاقات با پیروان آریا سماج و برهما سماج را نام برد . خانم استانرد نیز علاوه بر مسافرت های تبلیغی بعنوان نماینده جامعه بهائی در کنفرانس خداشناسی قاره هند که در سال ۲۴ دسامبر ۱۹۱۳ برگزار گردید شرکت نمودند . ایندو خانم مسعولیت نوشتن مقالاتی در باب امر مبارک در جرید هند راهم بعهده داشتند . اقدامات این دو خانم فدآکارا امریکائی مقدمه ای شد برای شرکت سایر هم وطنان بهائی ایشان که سالهای بعد به پیشرفت امر در هند وستان کمک های شایسته نمودند . با آنکه برنامه تبلیغی سال ۱۹۱۱ نتوانست میل معدومین را بجامعه امر وارد کند ولی در پیشرفت جامعه بهائی هند اهمیت شایان داشت برای اولین بار راه را برای بشر رساندن یک برنامه جامع تبلیغی نشان داد و برنامههای بعدی را تسهیل کرد و مفهوم یک جامعه روحانی بهائی را در هند متحقق ساخت . در گذشته امر تبلیغ و تعلیم امر در بعضی از نقاط بعمل میآمد که نتیجه کوشش محافل روحانی محلی و با اقدامات و فعالیت های انفرادی مؤمنین بود ولی هرگز برنامهای بصورت یک برنامه جامع ملی پایه گذاری نشده بود . تأسیس هیئت مبلغین در سال ۱۹۱۱ مقدمات تشکیل محفل روحانی ملی هند و برمه را فراهم آورد

روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ دسامبر ۱۹۲۰ یکی دیگر از تواریخ ستاز دیانت بهائی در هند است . در این روزها کانوشن ملی بهائیان هند برای اولین بار در شهر بمبئی برگزار شد . در این

کانونشن علاوه بر نمایندگان بهائی سرنا سرگوشهر
هند نمایندگان مذاهب مختلف جهان شرکت
داشتند . ارقام رسمی از تعداد نمایندگان
بهائی شرکت کننده در کانونشن در دست
نیست ولی قریب ۱۲۵ نفر برآورد میشود .

اهم نتایج حاصله از کنفرانس مذکور عبارت بود از
۱ - جمع آوری وجوه جهت بنای یک مشرق الاذکار
در هند . ۲ - تأسیس یک مدرسه بهائی در
شهر بمبئی برای آموزش و پرورش نونهالان بهائی
۳ - تأسیس یک کتابخانه بهائی در هند .
۴ - تأسیس مجمعی برای ترجمه آثار بهائی
به زبان های مختلف رایج در هند . ۵ - توسعه
فعالتهای امری تربیتی و انتشارات بهائی
تصمیمات مذکور جامعه بهائی هند امسال
پایه گذاری نمود .

از زمان انعقاد این کانونشن هنوز یکسال
نگذشته بود که صعود حضرت مهدیه^ع واقع
شد سپس جامعه بهائی هند تحت راهنمایی
و هدایت حضرت ولی امرالله وارد مرحله جدیدی
از توسعه و پیشرفت گردید .

در بین سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۸ هدیه های
اولین کانونشن ملی هند با حرارت دنبال گردید .
اداره برنامه های تبلیغی به محفل روحانی ملی
هند هرمه که در آوریل سال ۱۹۲۳ با شماره
حضرت ولی امرالله تشکیل گردید سپرده شد .
اهمیت محفل روحانی ملی هند هرمه از
نوامبر ۱۹۲۵ حضرت ولی امرالله خطاب باین
محفل اشکواراست (ترجمه بمضمون) :

" دها کیتم که محفل روحانی ملی جدید التاسیس
شما هر روز قوت بیشتری یابد و فعالتهای دائم

التزاید یاران را در دهند هرمه هماهنگ
ویکپارچه تر نماید و جهاد تازه تبلیغی را که مجید و
عظمت امرالله منجر شود آغاز کند . "

محفل روحانی ملی هند و بر مبنای " در شهر
بمبئی تشکیل میگردد و جناب حشمت الله
کراچی ریاست آنرا بر عهده داشتند . ده سال
بعد در روزانه سال ۱۹۳۳ محفل روحانی ملی
هند از جانب مقامات دولت هند برسمیت شناخته
شود .

در این مدت فعالتهای تبلیغی و انتشارات آنها
افزایش یافته بود . یکی از بزرگترین وقایع تبلیغ
جمعی در جشن تولد دی آنند ساراسواتی
مؤسس فرقه آریاساماج صورت گرفت . این جشن
در سال ۱۹۲۵ در مومبئی برگزار گردید . تعداد
افراد شرکت کننده در این جشن را ، حدود ۵۰۰
نفر برآورد نموده اند . در پنج روز برگزاری این
یادبود قریب به پنج هزار نشریه معرفی اصول
تعالیم بهائی بین شرکت کنندگان توزیع گردید .

حضرت ولی امرالله بطور مداوم جامعه بهائی
هند هرمه را تشویق به افزودن فعالتهای
تبلیغی مینمودند . ایشان همواره بر این نکته
تأکید میفرمودند که انتشار امر حضرت بهاءالله
یک قسمت از وظیفه هر شخص بهائی است . برای
نمونه در ریاضی که در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۳۴ به
جامعه بهائی هند فرستادند چنین میفرمایند :

" اساس اینست که دوستان بدون هیچگونه
استثنا^۱ تعامی مسلولیتی را که در تبلیغ هر چه
گسترده تر و دامنه دارتر امر حضرت بهاءالله
بمبده ایشان گذارده شده تشخیص دهند . "

بمنظور تحريك بخشیدن به فعاليتهاي تيليغسي حضرت ولي امرالله مهاجرين متعدد ي از نقاط د پرو نزديك جهان به هند وستان اعزام داشتند از مشهورترين مبلغين سياركه بامر حضرت ولي امرالله به هند وستان سفر نمودند يكي خانم مارثاروت بودند كه د چهار رسالههاي ۱۹۳۰ و ۱۹۳۷-۳۸ به اين خطه قدم گذاردند. خانم مارثاروت د اير فعاليت هايشان از كراچي تامدرس ميرسيدواز جمله در اقطب كالجبهه و دانشگاههاي شهرهاي هند مانند لاهور، امرتسار، لوديانا، دهلي، اليگره، لوكنو، كانپور، الله آباد، بنارس، پاتنا و كلكته نطق ها ايراد فرمودند. علاوه بر اين خانم مارثاروت از راديو شهرهاي مسورو حيدرآباد به ابلاغ كلمه پرداختند و بسياري از شخصيت هاي هند از جمله ساروجيني نايد و راملاقات كردند. اقدامات خانم مارثاروت بقدري درخشان بود كه محفل روحاني ملي هند خطاب بيكي از احببهاي امريكادرمورد ايشان نوشتند "خانم مارثاروت همه درهاي هند وستان را برروي ماگشودند و هم اکنون برعهده ماست كه از اين فرصت استفاده نموده به بهترين وجه از آن بهره گيريم

در اين سالها مبلغين و معلمين متعدد ديگري نيز به هند وستان سفر نمودند كه جاده ها و راههاي آهن را در نورديدند تا امرايه دره بشتر ي از ساكنين هند ابلاغ نمايند. جناب محفوظ الحق ايلي در دهلي و ديگر شهرهاي شمالي هند به انعقاد جلسات متعدد تيليغسي مبادرت ورزیدند. خانم شيرين فوزدار در سالن اجتماعات شهر كلكته براي بيش از هزار نفر به سخن پرداختند و خانم كيت رانسوم كهلبر (كه بعد ها به سمت ابادي امر منصوب گردید)

طی يك مسافرت دو ماهه در اقطب شهرهاي هند هند وستان سخنراني فرمودند. بدين ترتيب تيليغ امرالله كه حضرت ولي امرجهت بقاي ديانت بهائي در هند وستان آنرا امر ي حياتي تشخيص داده بودند بطور مرتب و منظم گسترش يافت.

در مورد انتشار آثار امر ي نيز در بين سالهاي ۱۹۲۱-۳۸ بيشرفتهاي شايدان توجهي بعمل آمد. كتب بهائي متعددي به زبانهاي مختلف هندي ترجمه گردید از جمله به زبانهاي گجراتي، بنگالي، سندي، هندي و اردو. كتاب بهاءالله و مصر جديد نوشته جناب دكتور اسلمنت از كتيبي بود كه به تشويق حضرت ولي امرالله ترجمه گردید. يكي از مهمترين اقداماتي كه در زمينه انتشارات بعمل آمد انتشار مجله ماهانه كوكب هند بود. اين مجله بزبان اردو منتشر ميگردید و بيش از ۲۰۰ مشترك داشت. بعلاوه بيش از ۲۰۰ مقاله در مجلات و روزنامهها مختلف هند وستان راجع به امر منتشر گردید كه از آن جمله ميتوان مقاله تي را بنهان تلگو اسم بررد. فرقه "براهماساماج" در مدرس و هزار جزوه كوچك تحت عنوان "قد ظهيريم الصعاد" بنهائيهاي محلي منتشر ساخت.

از جمله هدفهاي كه در كانونشن ملي سال ۱۹۲۰ براي جامعه بهائي هند در نظر گرفته شده بود، تاسيس يك مدرسه بهائي بود كه مدرسه اطفال بهائي بنام پوناو مدرسه تابستانه سال ۱۹۳۷ در اجراي اين هدف بوجود آمدند. احببهاي هند از سرتاسر كشور براي تحصيل معارف بهائي از جمله تاريخ و نظم اداري گردهم آمدند و اگر چه ساختن يك كتابخانه مستقل بهائيس

های
باتعام نرسید ولی کتب بهائی به مهمترین کتابخانه
هند اهداء شد .

کوشش جامعه بهائی هند طی این سالها قدم بزرگی
در راه افزایش شناسائی مردم نسبت به دیانت
بهائی بود . بعلاوه در ظل راهنماییهای حضرت
ولی امر و تدبیر محفل روحانی ملی هند بتدریج
جوامع مختلف بهائی هر یک بصورت یک واحد
فعال عهد دار مسئولیتبهائی گردیدند .

ترتیب آن زمان مناسبکه حضرت ولی امر الله بتوانند
احبای هند وستان براتحاد عنوان جامعه بهائی
هند خطاب فرمایند، غرار رسید هر چند
تعداد مقلین هنوز بسیار کم بود ولی مدت ۱۸
سال فقط سه محفل روحانی محلی به تعداد
محافل قلمی اضافه گردیده بود

پایان قسمت اول

قسمت دوم در شماره بعد

(۳) - فرقه جدیدی از مذهب هند واسبت
که هدف پایه گذاران ایجاد تحول در افکار
اجتماع هند و آشنا کردن هند وها با فرهنگ
جدیدی بود که مناسب مقتضیات عصر جدید
است .

(۱) - حضرت بهاء الله جناب جمال افندی
را بقلب امیع مفتخر ساختند .
(۲) - شماره ۳۱ مورخ ۲۱ ماه مه ۱۹۴۴ (صفحه
۲۹)



خانم الیویا گلوسی

نوشته: ثریا معانی (فیضی)
گلوس - آمریکا

فارغ التحصیل شد.

خانم الیویا شرح ازدواج و تصدیق خود را چنین بیان میدارد:

* در سال ۱۹۲۹ بود که همسر آینده خود * آقای آرثر گلوسی را ملاقات نمودم و از طریق او زامر مبارک مطلع شدم. وقتی آرثر برایم راجع به تعالیم مبارک صحبت میکرد. متوجه شدم که به جواب تمام سئوالها شئی که مدتها منتظر آن بودم رسیده ام. از آن موقع بود که هدف زندگی خود را بر اساس دیانت مقدس بهائی قرار داده و تصمیم گرفتم که تمام قوا و انرژی خود را در راه ترقی و پیشرفت امر حضرت رحمن صرف نمایم.

الیویا در سال ۱۹۳۲ به عضویت محفل روحانی نیویورک مفتخر گشت و در آنجا با جناب هواسر هولی

خانم الیویا در سال ۱۸۸۹ در یکی از مزرعه های ایالت اوهایو در ۳۱ میلی شهر گلوس متولد شد. او بچه دوم در بین پنج خواهر و برادر بود. الیویا یازده ساله بود که مادر خود را از دست داد و بواسطه این اتفاق با اینکه بسیار مایل با ادامه تحصیل بود و آرزو داشت که روزی معلم شود ولی نتوانست به مدرسه برود و این موضوع عمیقاً او را غمگین و متأثر نمود با اینحال با پشت کار و علاقهای که به تحصیل داشت در منزل در حالیکه از برادر و خواهر خود مواظبت مینمود مرتب بدرس و مشق خود میرسید. تا اینکه پدرش ازدواج کرد و الیویا چهارده ساله شد. در اینوقت بسبب سرنوشت خود منزل پدری خود را ترک کرد و شهر دیگری نزد عمومی خود رفت. با مشکلات زیادی روبرو شد. سرانجام در شهر نیویورک بکار منشی گری مشغول شد و ضمناً به تحصیلات خود ادامه داد و از School of Expression

جناب ادوارد کئی و ماری میراز موہنن اولیہ
در امریکہ همکاری کرد .

خانم الیہا و آقای کلسی بعد از ازدواج در لانگ
آیلند شروع بخدمت و تدریس کلاسهای امری
نمودند . الیہا در آن موقع آنقدر منجذب و والہ
و شیدا بود کہ بہ جستجو و تحقیق در کتابهای
امری پرداخت و یادداشتہای زیادی برداشتہ
و روزی بفکرافتاد کہ این یادداشتہا را بشکل
جزوہای چاپ کند کہ در دسترس تشنگان چشمہ
حقیقت قرار گیرد . لذا جزوہای بنام - Baha'i
Answers

و جزہ دیگری بنام Challenge راجع
بہ عہد و میثاق و نطائشنامہ ای بنام :
Two Shall Appear
کہ راجع بتاریخ امر است تہیہ و چاپ و منتشر کرد

در سال ۱۹۳۷ شوہر خود را از دست داد .
الیہا در آن موقع بہ زادگاہ خود یعنی ایالت
اویہا بہ مراجعت نمود . در همان موقع بود کہ
نقشہ ہفت سالہ مولای مقتدر و توانا حضرت
ولی عزیز امرا اللہ اسلام گشت و این عاشق شیدا
را کہ بینہایت از فقدان ہمسرخود متأثر و غمگین
بود و بارہ بجنب و جوش واداشت او بار سفر
بستہ و با مر محفل مقدس روحانی آمریکا بہ ایالت
کنتاکی کہ جزہ نقشہ ملی بود حرکت کرد و پس از مدتی
با تأفیدات حق اولین محفل محلی آنجا را تشکیل
داد . برای تشکیل این محفل خود الیہا
تعمیر میگرد کہ من چون تنها بودم و با کسی
معاشرتی نداشتم و از طرفی برای تبلیغ و اسلام
کہ مالہ میبایست با مردم تماس داشته باشم این
بود کہ بہ منازل مردم میروتم و Health Food
می فروختم و بہمین وسیلہ پیام الہی را بگوش
ساکنین آن محل می رساندم و بکسانیکہ

شوق و تعالیس نشان میدادند آدرس
منزل را میدادم و بہ جلسہ تبلیغی دعوتشان
میکردم تا اینکه بفضل و عنایات جمالبارک محفل
آنجا تشکیل شد .

الیہا گت بعد ہا کم سلامتی خود را از دست
دادم و بسیار زار و ناتوان شدم بطوریکہ مجبور
شدم بہ اویہا بہرگرم زیرا احتیاج شدید بہ
استراحت داشتم . ولی دلم آرام نداشت و روحم
از اینکه چرا باید در این موقع کار و ہجرت استراحت
کم مرا آزار میداد . تا اینکه دہارہ آمادگی
خود را بہ ساحت محفل مقدس ملی آمریکا اعلام
داشتم و بسوی ایالت میسوری حرکت کردم .

در همین موقع بود کہ مولای عزیز حضرت شوقی
افندی نقشہ ۱۰ سالہ را اعلام فرمودند و من
بی اختیار ظم و کافذ را برداشتم و بہ لجنہ ملی
مہاجرت و آمادگی خود را برای مہاجرت بہ ہر
نقطہ دنیا کہ لازم میدانم اعلام کردم .

مارچ ۱۹۵۴ بود کہ دستور محفل ملی رسید کہ
بسوی موناکو حرکت کنم . با کمال شوق و اشتیاق
بساط سفر را بستم و با مر مولایم حرکت کردہ و در
این موقع بود کہ فضلا " و من دن استحقاق
اسم در لوحہ ذہبی بنام Knights of
Baha u llah ثبت گردید .

الیہا میگفت : از وقتی کہ قلبم بنوا ایمان حضرت
بہا اللہ روشن گشت روحم در اشتیاق زیارت
مولای محبوب بدر پرواز بود و آرزو داشتم کہ بحضور
ہارکش مشرف شوم خوشبختانہ در همین ایام
تلگرافا " اجازہ تشرف رسید و حضور مبارک مشرف
شدم و بہ متہی آمال و آرزوہم رسیدم و خود را

در بهشت برین دیدم و هزاران شکر در گناه
حق مینمایم که قلبم را بنوا ایمان و شناسائی امر
حضرت بهاء الله روشن و منیر ساخت .

حضرت شوقی افندی امر فرمودند که بعد از تشکیل
محلل موناکو خدمات خود را در فرانسه ادامه
دهم لذا در سال ۱۹۵۹ در نقشه محفل
ملی فرانسه شرکت کردم .

ت
الیها ۱۰ سال تمام در کمال عشق و فد اکاری بخدمت
خود در فرانسه ادامه داد و در
سال ۱۹۶۴ بواسطه کهولت و کسالت
به وطن خود آمریکا و زادگاهش شهر کلمبوس مراجعت
کرد .

الان که این شرح حال را برای شعا احمای عزیز
ایران می نویسم الیها ۸۶ ساله است و آرزو دارد
در نقشه ۵ ساله بیت العدل اعظم شرکت کند
و تا بحال به دو مسافرت تشویقی و تبلیغی رفته که
در هر کدام از این سفرها با اتومبیل پانزده پیا
شانزده ساعت بدون توقف را تنگ گمی داشته
است . برای این عاشق و شیدای حق طول
سفر مستلما نیست مانند شمع در هر مجلسی
روشنی بخش است . با اینکه تنگ نفس شدید
دارد و از نعمت سلامتی جسمانی برخوردار نیست

آنی ساکت و آرام نمی نشیند . درین سن کار
میکند و اغلب از بچه های کوچک نگهداری مینماید
و امر خود را با کمال قناعت میگذراند زیرا دوست
دارد بیشتر به صندوق محفل کمک کند .

میگوید تا این نفس باراده حق از گوی بیرون میاید با
آرام ننشست . و از فرصت استفاده کرده و اعلام
ار نمود و الا در عالم بالا در برابر مولای جنون و مهربان
شرسار و روسیاه خواهیم بود .

این آیت عشق و محبت الهی با قامتی بلند و وجهی
نورانی و هدائی ناقد و موثر یکی از فعالترین افراد
جامعه بهائی کلمبوس است و با همان حالت
تنگ نفس در جلسات محفل مقدس روحانی مرتباً
شرکت میکند و شبهای یکشنبه جلسه تبلیغی در
منزل خود دارد و در لجنه تبلیغات و انتشارات
به خدمات ذیقیمت موفق است و علاوه بر آن
به سیرو حرکت و شرکت در پروگرامهای تدریسی
و تبلیغی در جامعه های اطراف نیز شرکت
میکند .

بدون شك الیها به آنچه رضای الهی است
و شایسته عودیت درگاه اوست موفق شده
است . خوشا بحال او و کسانیکه در این ایام
بخدمت امر الهی موفق و موید هستند .

صفحه خوانندگان:

● جناب منوچهر نیک نفس کرمانی مهاجر عزیز زاهدان شعری تحت عنوان "بهارت" بمطالع زهر ساخته و توسط لجنه مجله ملی مهاجرت به آهنگ بدیع ارسال داشته‌اند. مزید تأیید و توفیق این نفس خدوم را از آستان الهی ملتسمیم .

گفته بودی که بهار آید و گریز شود قهقه کبک به بستان طرب انگیز شود
طوطی طبع در گره‌اره شکرریز شود کک سحار، سخن بار و گهرریز شود

چشم واکن بنگر رسم سخند انسی را
ریده بگما و به بین جلوه رحمانی را

آزمنگ بدیع

برای
جوانان
و نوجوانان

فهرست	صفحه
۱- اهمیت کار	۴۶
۲- آزمونی تراب	۴۹
۳- معرفی کتاب نظم اداری بهائی	۵۸
۴- دور دنیا در ۱۹۲ روز	۶۱
۵- کرانه های افق (شعر)	۶۶
ترجمه عزیز اصغرزاده	
ترجمه پوران خت رحیمی	
هرمز باستانی حماری	
دکتر عطاءالله فریدونسی	

اهمیت کسار

طراز اول و تجلی اول که از افق سماه ام الکتاب اشراق نموده در معرفت انسان است به نفس خود و آنچه سبب علو و نوزلت و عزت و ثروت و فقر است و بعد از تحقق وجود و بلوغ ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود نزد اهل خرد مدوح و مقبول است مخصوص عباد بکه برتر بیت عالم و تهذیب ام قیام نمود ماند .

طرازات

کل را بصنعت و اقتراف امر نمودیم او را از عبادت محسوب داشتیم در اول امر باید ثوب امانت را از بد عطا که مقام قبولست بهوشی چه که اوست اول باب برکت و نعمت

لوح ملاطی بجستانی

کل بکسب و تجارت و زراعت مأمورند . . . و این اعمال که در کتاب الهی کل بیان مأمورند سبب عزت و علت برکت و ظهورات نعمت بوده و خواهد بود .

مآئده آسمانی (۸) ۱۴۸

. جمعی الان در این جهانند و بظاهرو باطن سرگشته و پریشان و مهمل و معطل و بارگران بر سایریناس بصنعتی مشغول نغوند و بکاروکسی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمرند . . . اینگونه نفوس مهمله البته مقبول نه زیرا هر نفسی باید کسار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار د بگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علت کا بوس مستولی گردد . انتهی

گنجینه حدود و احکام ص ۲۵

طرازنجسم

در حفظ و صیانت مقامات عباد الله است باید در امور اغماض نکنند به حق و صدق تکلم کنند اهل بها باید اجرا حدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند .

طرازات

... بلی سعی و کوشش جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقدر و محذور بلکه شب و روز آنی نباید مهمل بود و دقیقاً نباید از دست داد چون کاینات سایر به باید لیل و نهار در کار مشغول شد و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اهرمان ممکنات در خدمات مداومت کرد ولی باید اعتماد بر تأییدات نمود و اتکا و اتکال بر فیوضات کرد زیرا اگر فیض حقیقت نرسد و عون و عنایت شامل نگردد زحمت ثمر نبخشد کوشش فایده ندهد و همچنین تا با سباب تمسک نشود و با سباب تشبیه نگردد شری حاصل نشود ای الله ان بجزی الامور الا باسبابها و جعلنا الکلیفی سببا

گنجینه حدود احکام ص ۲۵

ای بنده الهی کارمانشرفحات الهیه است و جانفشانی در راه حق دستی از آستین بر آرد نقود حیات جاودانی نثار نما امور دنیوی را باید از برای اهل دنیا گذاشت دست بذیل هیکل باقی زد کمر را محکم بر بند لسان به ثنای حق بگشا و در سخن بده بعضی نفوس این حیات الهی را فراموش نمایند و در زاویه خمول جای گزینند و شب و روز مشغول آمال و آرزوی دنیوی گردند که عنقریب اسباب خوشی فراهم خواهد آمد و فلان پیش خواهد آمد و فلان پس خواهد رفت و باین حیات پر بهای خویش را بگذرانند ما باید در فکر حق باشیم و در صدراعراق نور مطلق تاملک باقی بدست آریم و سلطنت عالم معانی نمائیم کشور قلوب بدست آریم و اقلیم جانهارا در زیرتسخیر آریم مملکت تقدیس فتح نمائیم و از خطه اهلیم چشم پوشیم ای یاروفادار کار این کار است .

ماده آسمانی جلد پنجم ۲۳۷

هر کس بمجرد آنکه در سلك پیروان شریعت الهی داخل گشت باید مؤمن به بسط فعالیت در پی معرفت امرالله باشد و قوای را که در اختیار دارد در کمال اخلاص بخدمت این هدف غائی زندگی بگمارد .

پیام اکبر ۱۹۶۸ بیت العدل اعظم الهی
بجوانان دنیا

همت کنید پیام فرمائید که درود و رضاست و شاهد مقصود در انتظار شما و طوبی
للفائزین .
پیام نوروز ۱۳۱ بدیع بیت العدل اعظم

در این جامعه زنده و متشکل که بهدایت الهیه مهتدی و از انوار برکات ربانیه مستفیض است مشارکت هر یک از یاران نهاییت درجه اهمیت را دارد هر فرد بهائی که حیات خود را وقف امری کند در ظل آن سلامت و آرامش خاطر و مناسبات موفوره حضرت بهاء الله را کبیر در نظم الهی سر بیان دارد کسب مینماید . هر یک از یاران علاوه بر تبلیغ امر الله باید باستان الهی را کند و بکوشد تا در امور و همیه خود نیز بمقتضیات حیات بهائی عمل نماید .

پیام سپتامبر ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم

به جوانان اطمینان می دهیم که ما با اهمیت تصمیمی خطیر که آنان در طریق خدمت با مرحضرت بهاء الله باید اتخاذ نمایند متوجه و واقفیم .

پیام ۱۹ اکتبر ۱۹۶۸ بیت العدل اعظم الهی

خطاب به جوانان سراسر دنیا

بیت العدل اعظم الهی نقشه جدید پنجساله را در نوروز ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) به یکصد و پانزده محفل ملی در سراسر جهان ابلاغ نمود. اهداف وسیع و متبوعانه این نقشه شامل وظایف معدای برای جوانان بهائی سراسر دنیا است :

- بقلم : فیلیپ کریستن سن
- تحقیق : شرمن ویت
- ترجمه : عزیز اصغرزاده
- از مجله بهائی نیوز 'Bahai News' آمریکا

"از گنجینه قوی معنویه و شهادت و کمالات عالیه جوانان عزیز بهائی که در تحصیل فتوحات نقشه نهساله سهمی شایان داشته اند باید تا حد اکثر استفاده کرد و آن گنجینه را که همان در سبیل اعلان اموالله و انتشار نفعات الله و تحکیم بنیان شریعه الله مصروف داشت .

از محافل روحانیه تقاضا میشود تا جوانان عزیز را که قصد دارند حیات خود را بر محور خدمات روز افزون امریه استوار سازند هدایت فرمایند و با آنان به مشورت پردازند . (۱)

محفل ملی آمریکا با انتخاب يك لجنه ملی جوانان که در دهساله اخیر به سابقه بودفاست و تخصیص بودجه و دبیرخانه باین لجنه در ولیمست طکس العمل سربمی نسبت به اهداف نقشه پنجساله نشان داد . منشیان سه مؤسسه ای که بیشتر از همه با امور ابلاغ کلمه و تبلیغ و تحکیم اموالله سروکار دارند یعنی لجنات ملی تبلیغ و اهداف بین الطلی و تربیت امری به عضویت این لجنه جدید انتخاب شدند تا بدینوسیله اطمینان حاصل شود که جوانان در تمام ساعی مربوطه شرکت مینمایند . محفل ملی سپس يك برنامه دو ساله برای جوانان طرح و در کفرانسی تاریخی سنت لوئیس استان میسوری اعلان نمودند . این برنامه وظایف مخصوصه را در اجرای نقشه پنجساله به جوانان محمول میسازد و شامل اهدافی است که تا اول سپتامبر ۱۹۷۶ باید اجراء گردد .

انفشانی تزاراب

تاریخ مختصری
از جوانان بهائی امریکا
و اسلافشان

قسمت اول

از گنجینه قوای معنویه و شهامت و کمالات عالیه جوانان عزیز بهائی گسه در
 تحصیل فتوحات نقشه نهساله سهمی شایان داشته اند باید تا حد اکثر
 استفاده کرد و آن گنجینه را کریمانه در سبیل اعلان امرالله و انتشار نفحات الله
 و تحکیم بنیان شریعت الله مصروف داشت . ۶۶

متجلی است .

شواهد بسیاری در تاریخ امرحاکمی از آن است
 که تأیید الهی شامل حال هر موهمن بهر جوانی
 است که بر نصرت امر الهی قیام نمایند . در همین
 تاریخ دلیل دیگری بر اثبات این نکته وجود
 دارد که از آغاز امر بهائی تأییدات الهی شامل
 حال جوانان امر الهی شده تا جایی که بمقام
 شهادت عظمی فائز گردیده اند .

به منظور برانگیختن یاران به جانفشانی عظیم ترویج
 تبلیغی مجدانه تشریف بود که

حضرت ولی امرالله در ابتدای دوران ولایت
 قسمت اعظمی از هم خویش را مصروف ترجمه
 کتاب تاریخ نبیل زندی مطالع الانوار فرمودند
 و بخصوص جوانان را تشویق بر مطالعه دروسی
 ازین کتاب می نمودند .

نقش جوانان در تاریخ اولیه امر بهائی بقدری
 اساسی است که آثار آنرا میتوان تا قبل از اظهار
 امر حضرت اعلیٰ ، در ریشه های اولیه این اظهار
 امر یعنی در ایام شیخ احمد احسانی جستجو کرد
 شیخ احمد قبل از طلوع قرن نوزدهم بر تربیت
 و آماده نمودن مردم برای ظهور امر جدید و
 مستقل الهی همت گماشت .
 پس از درگذشت شیخ احمد مقام وی بعنوان يك

در مقدمه این برنامه دو ساله جوانان
 محفل طی امریکا چنین اظهار نمود است :

" یکبار دیگر سرشار از امید و انتظارات عظیمه
 روسوی جوانان بهائی نموده و از قوای معنویه
 شهامت و کمالات عالیه ایشان استمداد می نمائیم
 چه که بدون برخورداری ازین صفات عالی ایشان
 وصول با اهداف نقشه پنجساله ممکن و میسر
 نیست . . . "

" ترجمه از متن انگلیسی پیام ۲۹ اگست به جوانان "

چرا شرکت فعالانه جوانان بهائی برای موفقیت
 اهداف نقشه پنجساله ضروری است ؟ چرا
 بیت العدل اعظم الهی برای بازاول در تاریخ
 چنین اهداف بخصوصی را در نقشه تبلیغ جهانی
 گنجانید ؟ در زمانی که اکثر جوانان از خود
 و جامعه بیگانه شده بودند و در سیر جهانی
 وقایع روزمره مبهوت و آژینده خویش مضطرب
 و هراسناکند . در چنین زمانی انتظار این است
 که جوانان بهائی همگام با سایر بهائیان از سنین
 مختلفه نیروی محرکه امر متقدم بهائی را ازین
 مرحله به مرحله دیگر تأمین کرده و قطعه دیگری
 از زینبای نظم بدیع جهان آرای الهی
 را بر کوه ارض پایه ریزی نمایند . آیا چگونه
 بدین مهم موفق خواهند گشت ؟ جواب این
 سئوالات بروشنی و وضوح در تاریخ امر بهائوسی

رهبر، معلم و مصلح مذهبی به بزرگترین شاگرد
اوسید کاظم رشتی در سن ۲۴ سالگی تفویض
شد.

حضرت عبدالبهاء در مقاله شخصی سیاح این
تکته را بیان فرموده اند که سید کاظم این ستاره
هدایت الهی در سن ۲ سالگی بدلیل خوابی که
دیده بود در سلك شاگردان شیخ احمد درآمد.
سید کاظم نیز بعد از خود یکی از شاگردان جوان
خوش یعنی ملاحسین بشروهی را بجانشینی
انتخاب کرد و هم او بود که مأموریت جلب
دوستی یکی از بزرگترین و مهم ترین مقامات
مذهبی ایران را با موفقیت به پایان رساند. سید
کاظم از مقامات و بزرگواری این جوان بقدری
تعریف نمود که عدای گمان بردند موعود منتظر
ملاحسین بشروهی است.

پس از درگذشت سید کاظم رشتی این جوان
سایر شاگردان سید کاظم را برجستجوی موعود
خویش تشویق و ترغیب نمود و چون ترس و ضعف
و سستی ایشان را دید خود به همراه دوتن دیگر
سفر تاریخی خود را آغاز کرد. پس از چهار روز
صوم و اشتغال به دعا سفری را آغاز کردند که
بالاخره ایشان را بدروازه شهر شیراز گشایند.
در درون دروازه های این مدینه منوره ملاحسین
چند ساعتی قبل از غروب جوانی نوانی را ملاقات
کرد که این جستجوگر جوان را برای مذاکره ای مهیج
بمنزل خویش دعوت نمود. قبل از طلوع آفتاب
ملاحسین اظهار امر حضرت باب را اصفاء نموده
و بمقام مظهریت ایشان ایمان آورده بود.

بدین ترتیب اولین مومن بحضرت باب، اولین
حرف از حروفات جناب باب الهاب جوان بود.

کلمات خود ایشان عظمت اظهار امر حضرت اعلی
را چنین وصف میکند.

" حقیقت امر الهی که در آن شب غفلتاً بر من آشکار
شد مانند صافیه تا مدت زمانی سراپای وجود را
در قبضه اقتدار داشت چشم من از تابش شدیدی
خیره بود و قوه عظیمه اش هستی مرا سخر ساخت
هیجان و سر و خوف و حیرت در اعطاق قلب من
موجود و در عین حال بهجت و قدرتی در خود مشاهده
نمودم که بتقریر نیاید . . . "

قوت و قدرت عجیبی در وجود من پیدا شد بطوریکه
خود را دارای توانایی و تهی فوق العاده میدیدم
و یقین داشتم که اگر تمام عالم و خلق جهان
بمخالفت من قیام نمایند یک تنه بر همه غالب
خواهم شد جهان آنچه در آن هست مانند
مشتی خاک در چشم جلوه می نمود. (۱)

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب ایقان در ساره
جناب ملاحسین میفرماید:

" لوله ما استوی الله طی عرش رحمانیته و ما استقر
طی کرسی صمدانیته. (از صفحه ۷۹ قسمت اول
قرن بدیع.

هفده نفر دیگر که خود در جستجوی مظهر امر الهی
بودند میبایست بحضرت اعلی ایمان میآوردند تا
بعد حضرت اعلی اظهار امر خویش را طنی میفرمودند.

آخرین حروف جناب قدوس بودند. در سن
ایام ایشان فقط ۲۲ سال داشتند و با اینهمه
بسبب دانش خویش برترین شاگرد سید کاظم بشمار
میرفتند. ایشان پس از وودبه شیراز در حالیکه
هنوز از خستگی راه نیا سوده و ضار سفر از بدن
نزدوده بودند بهیک نظر حضرت اعلی را در راه -

حقیقت امر الهی که در آن شب غفلة بر من آشکار شد مانند صاعقه تا مدت زمانی سراپای وجود مرا در قبضه اقتدار داشت . چشم من از تابش شدیدش خیره بود و قوه عظیمه اش هستی مرا مسخر ساخت . هیجان و سرور خوف و حیرت در اعماق قلب من موجود و در عین حال بهجت و قدرتی در خود مشاهده نمودم که بتقریر نیاید . 66

و نظری وسیع داشت .

(از صفحه ۸۱ جلد اول قرن بدیع)

با اینکه هرگز حضرت اعلی را ملاقات ننمودند اما شمار ناب ایشان در ستایش جمال حضرت اعلی و توضیحات شوانگیزشان در اعلان پیام حضرت اعلی و تبلیغ بی پروای ایشان برای انتشار امر حضرت اعلی و شخصیت درخشان ایشان به پرتوافکنی بردیانت با بی برداخت .

هر سه نفر ازین پیشقراولان جوان ایمان بحضرت اعلی که بدست سید کاظم رشتی برای درک مقام حضرت اعلی تربیت شده بودند پس از خدمات بیشماره محبوبشان با سرور فوق العاده بمقام شهادت در سبیل حضرت اعلی فائز گردیدند .

ملاحسین و قدوس اولین و آخرین حروف حی در قلعه شیخ طهرسی از گروه سید و سیزده نفری که اکثرشان در زمره طع و طلاب علوم دینی محسوب میشدند در مقابل صفوف والوف کوه به تجهیزات کامله مجهز بودند از دم شمشیر گذشتند و خاک سیاه را بخون مطهر خویش گگون نمودند . " این دماه برئیه طایه انبیات بذو طیفای گردید که گل و شکوفه آن در استقبال ایام بصوت تأسیسات اداری این آگین نازنین ظاهر و در میقات مقدر یعنی در عصر زمی این دو شعشع موجب بروز اشعار و فواکه طیه این

مراجعت بمنزل مشاهده و بمقام حضرت اعلی بی برده خطاب بملاحسین فرمودند " چرا مرا از حقیقت امر و میسازی در شرق و غرب عالم جز این بزرگوار دیگری مظهر امر الهی نیست (نقل از صفحه ۶۲ تاریخ نبیل زندی "

اگرچه جناب قدوس جوانترین از حروف حی شمار معرفت بفرموده حضرت شوقی افندی عظیم ترین مقام را بین ایشان دارا بود . شخصی که قبل از جناب قدوس بمقام حضرت نقطه اعلی ایمان آورده بود حضرت ظاهره ملقب به " قره العین " بود . (لقب از طرف معلم ایشان سید کاظم رشتی داده شده بود) . ایشان قبل از سی سالگی به هدایت روحانی که از حضرت اعلی در خواب دیده بودند به خدمت امر الهی قیام کردند . مخالفت و نفرت طمای سنت پرست و مقتدر ایران از ایشان به سبب ایمان ایشان با مهابت از یکطرف و در زمره بانوان بودن از طرف دیگر سبب تشدید مصائب وارده به ایشان گردیدها . این حال ایشان را از قبل بمقامی طعی و قهرمانی باز نداشت . حضرت ولی امر الله ایشان را بعنوان بانوی اینچنین معرفی فرمایند : " از خاندانی مشهور و در فضل و کمال و صباخت و جمال مشار بالبنان بود طبعی سرشار روحانی طلیق و روحی پرنجذاب و افکاری بدیع

سدره رحمانیه و استقرار نظم بدیع جهان آراء الهی در بساط غربا خواهد گردید. " (۷)

در جنگل مازندران قریب به نیمی از حروف حسی بشهادت رسیدند. حضرت طاهره در سال ۱۸۵۲ میلادی بشهادت رسید اما نه قبل از اینکه نقش خطر خوش را به همراهی قدوس تحت قیادت و هدایت حضرت بهاء الله در موته و روحانسی بدشت چهار سال پیش از این واقعه بانجام رساند. ندائی که او وقتی بدون حجاب در برابر چشمان سایر مومنین اولیه ظاهر شد بلند نمود :

"این نقره ناقه است این نقره صواست اعلان ظهور کلی شد" (۸).
"سبب استقلال آئین رحمانی و نسخ احکام و سنن اسلام گردید."

بالحام از چنین قهرمانان درخشندهای جوانان دیگری به دیانت بهائی مومن شدند قوای روحانی شوق و افراشان کمک نمود که هم چندان گسترش دیانت بهایی در مقابل شکجه و آزار بیرحانه ادامه یابد. از میان بیست هزار نفر شهیدان دیانت بهائی گروه عظیمی از جوانان بودند که براه ایثار جان قدم نهاده اند.
پدری ترجیح داد که گوی و فرزندش پیش چشمانش بریده شود تا اینکه سب و لعن امر مبارک نماید. فرزند بزرگتر که چهارده سال از عمر مبارکش میگذشت در حالی که در خون غوطه رفته به سبب حق ارشدیت طلب مینمود که زو دستراز برادر دیگر شهید شود.

جوانان و کودکان بسیاری بودند که در همین جمعیت مردم با بدن پاره و شمع آجین گشته

در شهر و بازار میرفتند و زمزمه و آوازی نمودند که "انالله و انالیه راجعون" این چنین ایمان و فداکاری حتی در مطبوعات اروپائی انعکاس یافت.

بالاخره هفتصد و پنجاه گنوله به حیات منصری کوتاه حضرت اعلی خاتمه داد. موج شهادت که بوسیله یک جوان ملاحسین بشریهای شروع گشته بود با شهادت جوان دیگری میرزا محمد علی زنوزی ملقب به "انیس" خاتمه پذیرفت شب قبل از شهادت حضرت اعلی ایشان پیشگوئی روز بعد را نموده و از همراهان خواستند که ایشان را به شهادت برسانند همراهان ازین فرمان مد هس پریشان گشتند ولی جناب انیس حاضر به انجام فرمان مولای محبوبش گشت حضرت اعلی فداکاری این جوان را بافتخار شهادت با خود و پیوند همیشگی با خود یاداش عطا فرمودند.

ظهر روز بعد در نهم جولای. ۱۸۵۰ (۲۸ شعبان ۱۲۶۶ ق) حضرت اعلی به همراه جناب انیس در سر بازخانه تبریز بشهادت رسیدند. اکتفا غبار رص آن شهیدانی حضرت اعلی به همراه غبار رص اطهر مبارک در کوه کومل در مقام اعلی آرمیداست.

در آخرین بیانات مبارک حضرت اعلی درباره این جان چنین فرمودند :

"ای مردم اگر ما میشناختید مثل این جوان که اجل از شماست درین سبیل قربان میشدید من آن ظهور موعودی هستم که آسمان کمتر مثل او را دیده (۱۰)

شش سال قبل از وقوع شهادت حضرت اعلی
ایشان جناب ملاحسین را برای انجام مأموریت
مخصوصی به چند شهر از جمله طهران اعزام
فرمودند. "عنقریب تو را به شهری میفرستم
که حجاز و شیراز در شرافت با او برابری نتواند
زیرا مزعظیم و سر مقدسی در آن نقطه موجود است
است. (۱۱)

در طهران جستجوی ملاحسین بزودی او را -
بحضور جوانی ۲۸ ساله از خاندانی شریف
راهنمایی نمود. حضرت اعلی ملاحسین را
مأمور فرموده بودند که لوحی را تقدیم حضور این
جوان که قلب ملاحسین را تسخیر فرمود بنمایند.
این جوان که در آن ایام به میرزا حسین علی
نوی شناخته میشدند پس از قرائت لوح مبارک
به حقانیت امر حضرت اعلی شهادت و بزودی برای
تبلیغ امر بانی اولین سفر خود را آغاز نمودند.
چندی بعد در واقعه بدشت لقب ایشان آشکار
شد. لقب ایشان بهاء الله بود. قدرت و هیمنه
این جوان بقدری بود که پس از شهادت حضرت
اعلی ایشان رهبر بزرگ حقیقی بابیان شناخته
شدند. در سال ۱۸۵۳ هنگامی که در تیوگی
زندان سیاه چال اسیر بودند وحی الهی
بحضرت بهاء الله نازل گشت.

پس از چهار ماه در زندان سیاه چال جمال
مبارک به بغداد تبعید شدند و در سال ۱۸۶۳
هنگامیکه از بغداد هجرت نمودند اظہار امر
طنی فرموده و بدین ترتیب با ظهور "من یظہر الله"
عدوم مؤمنین افزایش و دایره نفوذ امر مبارک
گسترش بیشتری یافت. جوانان مؤمنین
بدیانت بهائی همچنان در مقام شهادت و تقوی
بر اثر اقدام جوانان دوره دیانت حضرت اعلی
قدم گذاشتند. بعنوان مثال جناب روح الله

فرزند دروازده ساله شاهر و مبلغ شهید دیانت
بهائی جناب رقا را با خاطر آرمیم که پس از تماشای
شهادت پدرنازنین بدست زندانیان بیرحم
و پاره شدن شکم ایشان و قطعه قطعه شدن
ایشان زندانیان از او خواست که از امر مبارک
تبری جوید و چون بسادگی و صراحت از این
دستور اطاعت ننمود با قطعهای ریسمان خفه
گردید. نوجوان یازده ساله دیگری را با
قطرش آنقدر شکنجه و آزار نمودند که روح پاکش
بجهان باقی شتافت و پدری جوان هجده ساله
خوش را بنام حسین بجرم ایمان با امر مبارک در
برابریندگان مادر قطعه قطعه نمود.

بنظر آنانی که در دهه هفتاد قرن بیستم در راحت
مادی و آزادی مذهبی بسر می بردند این واقایع
دهه متعلق بگذشتای بسیار دور مینمایند
با این حال جوانی که از او نام بردیم یعنی حسین
در اوائل قرن بیستم در زمانی بشهادت فاش
گشت که در نیمکره غربی اتومبیلها در خیابان حرکت
و هواپیماها در آسمان پرواز میکردند. در ایران
در سال ۱۹۵۵ بدنبال موج شکنجه و آزار بهائیان
جوانان بسیاری به انواع مصائب دچار و گروهی
بشهادت رسیدند. در سال ۱۹۶۲ در مراکش
شش نفر از یاران در دادگاه به حبس ابد و اعدام
محکوم گشتند. این حکم بعداً طغی گشت
سن سه نفر ازین یاران بین ۲۲ الی ۲۴ سال
بود.

بنابراین دلوری جوانان این "مطالع انوار"
Dawn Breakers آنچنان که بنظر میسرود
متعلق بگذشتای چندان دور نیست. شخصیت
و توان ظاهری ایشان با اعمال و رفتار ملوکوتیشان
برابر نیست. اکثر ایشان مردان و زنان جوانی

محدوده حد و دانسان فانی بودند که بدلیل عشق مفرط به مظهر امر الهی و به مدد تأفیدات غیبیه به موجودات ملکوتی بدل گشته بودند در تاریخ دلاویهای شهیدان امر الهی بمنموه و مثال بهتری از جناب آقا بزرگ خراسانی در اثبات این نکته بر نمی خوریم .

پدر ایشان مو من مخلصی از بقیه السیف قلعه شیخ طبرسی بود . با این همه این جوان هرگز از خود علاقهای به امر مبارک نشان نداد بود . بر طبق بعضی از تواریخ او جوان لایهالی مزاحمی بود که در انظار عموم از زبان پدرش تقبیح شده بود . اما این جوان بظاهراً سست عنصر موخ بهائی جناب نبیل (زرنندی) را در نیشابور ملاقات و با امر مبارک ایمان آورد . تصمیم گرفت که بزیارت جمال مبارک موفق گردد . آقا بزرگ در سال ۱۸۶۹ در لباس یک عسکر به سجن اعظم شهر عکا وارد شد . سپس بحضور حضرت عبدالبهاء مشرف شده و عریضه مبنی بر تصدیق خویش تقدیم حضور انور نمود و حضرت عبدالبهاء مگر می ایشان را پذیرفته به اطاق محل سجن حضرت بهاء الله راهنمایی کردند در آنجا او به هدف سفرو آرزوی خویش ناائل گشت . او ۲ بار در خلوت بحضور حضرت بهاء الله رسید و لقب " بدیع " ملقب شد . درین هنگام مدت ۲ سال از نزول لـو ح سلطان به ناصرالدین شاه گذشته بود و جمال مبارک در انتظار نفس مقدسی بودند که قیام نموده و حامل این لوح عظیم شود . روزی جناب حاجی شاه محمد امین ، امین حضرت بهاء الله جمعهای حاوی لوح مبارک را به بدیع دادند و بدین ترتیب مدت انتظار و اقامت بدیع در عکا پایان یافت در شرحی که از جناب امین بجای مانده نقل شده است که :

" ماشهراترك كوديم ودامنه كرمل جائي كه من صندوق رايه ايشان سپردم رسيدم ايشان آنرا بدست گرفتند و بعد زانورده بهيشاني شانرا برخاك نهادند و هم چنين باكت مهورا از من گرفتند بيست سي قدم دورتر از من مجدداً رو به عكار زمين نشستند آنرا خواندند مجدداً سجده نموده بهيشاني شان را برخاك نهادند انوار وجود و سرور در صورتشان ظاهر شد من متذكروشم كه بهتر است به حيفا برويم براي اينكه حسب الامر مبارك ميهاستني مقداري پول بايشان مي دارم . ايشان از آمدن با من امتناع نمودند ولي پيشنها كردند كه بتنهائي براي آوردن پول جهت ايشان بروم .

وقتی مراجعت نمودم طبرغم جستجوی بسیار ایشان را نیاقتم . ایشان رفته بودند (۱۲) این جوان روحانی در حالیکه واقف بر سرنوشت خویش بود بدون لحظهای تأمل برای انجام مأموریتش بطرف طهران حرکت کرده بود . پس از چهار ماه طی طریق پیاده ویکه بالاخره بطهران رسید مدت سه روز به صوم و دعا مشغول شد تا بالاخره موکب ناصرالدین شاه که بشکار عازم شده بود مشاهده نموده در حالیکه اطراف ایشان بحالت احترام بشاه بر زمین افتاده بودند آرامی و سر بلندی بطرف ناصرالدین شاه رفته هاین جطه ناطق شد : " یا سلطان قد جئتک من سباء بنباء عظیم " ناصرالدین شاه لوح مبارک را به طما داد و دستور داد تا بدیع را دستگیر نمودند . (علما هرگز نتوانستند جوابی بر لوح سلطان تهیه کنند) . " مأمورین سلطان حضرت بدیع را مدت سه روز بانواع عذاب معذب و داغ و شکجه کردند و بالاطال راس منیرش را با قنداقه تفنگ خورد و آن مظهر توکل و انقطاع را شهید کردند و بدن

مطهرش را در چاهی افکندند و بخاک و سنگ
بیانباشتند" (۱۳)

جلادان از سکون و وقار بدیع در حین شکنجه
بقدری متعجب شدند که عکاس حاضر کرده از جناب
بدیع به همراه سایر جلادان در حالیکه گردن مبارکش
بزنجیر سنگین کشیده شده ولی مستقیم بود و در
جلوی ایشان منقل و سیخ داغ شده برای داغ
کردن بدن مبارکش گذاشته بودند تصویری گرفتند.
این واقعه در جولای ۱۸۷۰ بهنگامیکه جناب
بدیع هفده ساله بودند رخ داد.

در اشاره به تقلیب جناب بدیع از یک جوان عادی
"آقای بزرگ" به "جناب بدیع" افسانهای جمال
مبارک فرموده‌اند: "انا قبضنا قبضة من التراب
وعجناه بمياه القدرة والاطمینان ونفخنا فيه
روح الاطمینان... (۱۴)"

بفرموده حضرت بهاء الله مقام جناب بدیع آنچنان
عظیم و رفیع است که در هیچ نوشتنهای ننگجود
و با هیچ قلمی بوصف در نیاید. به شهادت
جمال مبارک جناب بدیع فرد و تنها قادر بر فتح
آنچه در زمین و آسمان است بود. بمدت سه
سال جمال مبارک با چنین جملاتی در وصف
بدیع پرداخته و آنرا به "طح الواح" (۱۵)
تشبیه فرموده‌اند.

درست یکماه قبل از شهادت جناب بدیع یکی از
فرزندان جمال مبارک یعنی میرزا مهدی عصمن
اطهر در طریق شهادت مشی نمود. ایشان در
سن بیست و دو سالگی غرق در دعا و مناجات در
حال مشی بر پشت بام از روزنه نورگیر سقف داخل
طاق افتادند و پس از ۲۴ ساعت به عالم بالا

شتافتند. قبل از صعود از در محزون خویش
رجا نمودند که شهادت ایشان به عنوان قربانی
برای گشوده شدن ابواب لقا، بر مؤمنین مقبول
حضور مبارک شود. برادر میرزا مهدی حضرت
عبدالبها، هستند. ایشان از طرف پدر خویش
بمقام "مرکز و محور میثاق" و "سرالله" و "مثل
اعلی تعالیم مبارک" و "بین مصون از خطای
نصوص الهی" و "فصن اعظم" تعیین شده‌اند
تولد حضرت عبدالبها، مقارن با اظهار امر
حضرت رب اعلی بوده است. و همان...
"هیكل اطهر بود که در ایام خردسالی هنگامیکه
در امان جناب طاهره قرار داشت خطابسه
برهیجان آن قیسه، نارمحبب اللہ را بوحی
عصر فرید زمان جناب وحیداکبر استماع نمود" (۱۶)
و هم ایشان بودند که پس از دیدن پدرشان
در غل و زنجیر سیاه چال طهران بشدن منقلب
و چنان ضربه روحی برایشان وارد گشت که در
موقعی به جناب نبیل اظهار داشتند که در آن
هنگام در اوان جوانی بیکباره خود را پیرا احساس
نموده‌اند. در سنین طفولیت ایشان بمقام
اب بزرگوار خویش که در آن هنگام در پیس پرده
استتار مخفی بوده برده و از آن هنگام به تبلیغ
امرالهی بین بزرگان و دانشمندان پرداختند.
حتی در آن هنگام جمال مبارک و پیروان ایشان
حضرت عبدالبها، را "سرکار آقا" The Master
مخاطب میداشتند. از اوان جوانی حضرت
عبدالبها، بطرق بی شمار بخدمت پدر بزرگوار
خویش پرداختند. ایشان امور روزانه پدر
خویش را اداره کرده به دفاع از امر مبارک و استتار
الواح مبارک می پرداختند. ایشان را از معانی
حفاظت کرده و هم چنین مؤمنین را در کشف
حمایت خویش می گرفتند. به بنای مقام اعلی
پرداخته و تاریخ اولیه امر مبارک را محفوظ داشتند.

بتدریج که برسن ایشان افزوده میشد مسئولیتها و فداکاریهای ایشان فزونی میگرفت . پس از صعود جلال مبارک ایشان مقام جانشینی ریاست امر مبارک را بر طبق نصوص و وصیت مبارک بر عهده گرفتند .

در سال ۱۹۱۲ پس از چهل سال مسجونیت

بعد از انقلاب " جوانان ترك " آزاد و به امریکای شمالی مسافرت نمودند تا شعله نفوذ امر مبارک را در آن اقلیم محترق سازند . بیانات و اعلان آن مثل اعلامی دیانت بهائی در امریکا بود که سر آغاز فعالیتهای جوانان بهائی شمال امریکا گردید .

پایان قسمت اول

- ۱ - پیام عمومی بیت العدل اعظم رضوان ۱۳۱ بدیع .
- ۲ - ترجمه از پیام ۲۹ اوت محفل طی امریکای خطاب به جوانان .
- ۳ - تاریخ نهیل
- ۴ - کتاب مستطاب ایقان
- ۵ - تاریخ نهیل صفحه ۶۲ چاپ ۰۲ بدیع
- ۶ - قرن بدیع جلد اول ص ۸۱
- ۷ - قسمتهایی که بمن علامت " مشخص شده از جلد اول قرن بدیع نقل گردیده صفحات ۱۹۵ و ۱۹۶
- ۸ - تذکره الوفا صفحه ۳۰۷
- ۹ - قرن بدیع جلد اول ص ۲۸۰
- ۱۰ - تاریخ نهیل ص ۳۲ چاپ ۰۲ بدیع
- ۱۱ - تاریخ نهیل ص ۸۲
- ۱۲ - ترجمه از مقاله ادیب طاهرزاده ص ۱۰۰ نهیل شماره ۴۷۴
- ۱۳ - قرن بدیع جلد دوم
- ۱۴ - کتاب مبین صفحه
- ۱۵ - قرن بدیع جلد دوم
- ۱۶ - قرن بدیع جلد سوم ص ۱۲

کتاب نظر اداری بهائیان

معرفی کتاب بوسیله خانم کرنا بیوسی

ترجمه پورانخت رحیمی

از بهائی نیوز BAHÁ'Í NEWS آمریکا

کتاب نظم اداری بهائی (BAHA'Í ADMINISTRATION) یکی از پرارزشترین آثار امری است. مجموعه ایست از اولین توقعات حضرت شوقی بهائی خطاب به احبای آمریکا. در چاپ جدید آن که در سال ۱۹۶۸ در ۱۹۸ صفحه انتشار یافته چندین توقع از آخرین آثار مبارک نیز بدان اضافه گردیده است.

این کتاب نفس نه تنهاییك دستور العمل اداری است بلکه منبعی سرشار از تفاسس معنوی است که جهت تغذیه و تقویت بنیه روحانی احبای و محافل روحانیست تدوین گردیده است.

صفحات اول کتاب شامل مواضع زیر است. علائق قلبی ولی امرالله نسبت باحبای الهی، حصول اطمینان در مواقع امتحانات الهیه، ارزش امتحانات الهی، چگونه با اصال غیرمرضیه مبارزه باید کرد، محفل روحانی چیست؟ مشورت در امر بهائی، رنج و مصائب هیکل مبارک هنگام صعود حضرت مهد البهائیه، میل مبارک باینکه احبای ولی امر را بمنزله برادر خود دانسته و فقط ایشان را با عنوان شوقی افندی خطاب نمایند.

صد و توقعات منبعه مبارک درست دو ماه پس از صعود مرکز میثاق اهل بهائیه یعنی در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۱ آغاز گردید و چنان شعله بکالبد افسرده یاران و یاران در آن سامان زد که بوصف نیاید. حضرتش حین هجوم شدا فد و تألمات روحی که بواسطه صعود مرکز میثاق بر آن هیکل مقدس وارد آمده بود و با آنکه وظیفه خطیر و مسئولیت دشوار ولایت امر در او ان شهاب بردوش مبارکش گذاشته شده بود با کمال لطف و محبت عنایات قلبی خود را متوجه احبای امریکا فرموده و یاران آن خطه را به لحظات اطمینان و وتسوق کامل و استقامت بر امر تشویق و طوب آنان را فرق سرور فرمودند. وظایف خطیر مای که ولی امر جوان با آن روبرو گردید پس عظیم بود. محافل محلیه با نظامات غیر استوار خود با مقایسه با نظام کامل اداری امروز خصوصاً در فن مشورت بی نهایت ضعیف بود، محافل

ملیه ابداً" وجود نداشت فقط در امریکای شمالی هیئتی بنام "کمیته مشرق الانکار بهائی" موجود بود. احبای جانفشان آن سامان با آنکه قلمشان مطوازه عشق حضرت بهاء الله بود و آماده برای هر نوع فد اکاری از امر بسیار کم میدانستند آنها برای نظم اداری جهان امروز بسیار کم مایه بودند و بهمین مناسبت حضرت شوقی ربانی درد وین توفیق خود که بتاريخ ۵ مارچ ۱۹۲۲ به امریکا فرستادند اساس نظم و طریقه تشکیل محافل محلیه و ملیه را تشریح فرموده و قدم بقدم آنان را راهنمایی نمودند. باید اذعان کرد که تشکیل و توسعه این تأسیسات بر شالوده های منظم و متین و الهی اقدامی بسیار عظیم بوده است چه که استقرار نظم بدیع جهان آرای بهائی که بواسطه معاهدین برگزیده عهد و میثاق حضرت بهاء الله یعنی حضرت مولی العزیز و حضرت ولی امر الله بیت العدل اعظم تشریح و توسعه یافته بدایت استقرار ملکوت الله در ارض است.

قسمتی از کنی از توقیعات (ترجمه بمضمون) "اتحاد کامل بین دوستان ربانی و گذشت و فد اکاری در خدمت به آستان مقدس الهی و قطع طلاق مادی عالم فانی و رعایت نهایت حکمت و دوراندیشی در اقدامات و مجاهدات سعی در انجام آنچه در الواج مقدس و سایر ایمان گردیده و جلب رضای اودر کلیه شئون و اتخاذ شیوه و روش مثل اهلی رحمانی با اعتقاد کامل که آن نفس مقدس همواره حاضر و ناظر بر افعال و افکار ماست و احتراز و دوری از هر کس که بنظر ما و امر الله است و بخصوص اتحاد و اتفاق بین جمع اهل بهای بنظر این عبد بالاترین و مهم ترین وظیفه در طریق خدمت با امر مقدس الهی و وصول با آرزوی جانفشانی دردوران زندگی هر فرد بهائی است؟

هر شخص برای از یاد معلومات معنوی و شخصی خود میتواند قسمتهائی از کتاب نظم اداری بهائی را انتخاب و مطالعه کند، ولی اگر این کتاب را صفحه به صفحه و لغت به لغت مطالعه کنیم معلومات وسیعی درباره کلیه تشکیلات بشهر رسیده امر نظیر تشکیلات بهائی در امریکای شمالی بدست خواهیم آورد و تشکیلاتی مانند محفل ملی بهائیان امریکا، کانونشن های ملی، لجنه های نشر آثار، صندوق تبرعات و سایر موسساتی که امروزه موجود داریم.

این مشروعات عظیمه تاریخی که قدرتی الهی ضامن پیشرفت آن است نتیجه راهنمایی صحیح و دقیق حضرت شوقی ربانی است مولی که باعث گردیده اند میثاق الهی چنین سریع گسترش یابد. همانطور که در قسمتی از کتاب ملاحظه میکنیم نه تنها ولی مقدس امر الهی ما را برای بشهر رساندن این تشکیلات راهنمایی

فرموده و بادستورات و تأکیدات ملهمانه خود بتفکرواداشته اند بلکه باالطاف ربانی خود پیروان امرتازنیش را باخوش نزدیک نموده و آنان را درغم و شادی خود شریک ساخته اند . اولین توفیق مبارک باشرح صعود مرکز میثاق حضرت مهدالیهام شروع و آخرین آنهاصعود حضرت ورقه طیباغاثمه میباشد . بعضی حاکی از تأثرات و تألمات روحی مبارک از آزارو شکنجهای که احمای جانفشان ایران باآن روبرو بوده انستد میباشد و بعضی دیگر نظیر خبرخوش تصدیق ملکه رومانیاز سرور و انبساط خاطر هیکل مبارک گفتگو میکنند و بالاخره درتوقیمی از ماخواستفانند که برایشان به هنگام نیایش باحق دعاکنیم و صراط اطمینان داده اند که درنیمه شعبادرمقام اطنی بیاد ما برآز و نیاز مالوفند .

قسمتی ازکی از توقیعات دیگر مبارک (ترجمه بمضمون)

" درنیمه های شب هنگامیکه در قایق مظلم صعود مرکز مهد و میثاق الهی که بدست مبارک خود سنگ زاویه معبد اب بنزگوارش را در آن خطه منوره بنانهاد بیستاد می آیم درحالتیکه درحرم آن مظهر فضل و عطا جالس و ساکنم آن برگزیدگان آستان الهی را که بار سنگین و پرمسئولیت انتشار امر الهی را بر دوش کشیده و رافع رایت اسم اعظم در آن خطه وسیع میباشدند مد نظر آورده و باخضوع و خشوع بارها درحین مناجات از آستان مقدس طلب فتح و پیروزی و استقامت برای آنها نمودم ام .

ملیه اهدا" وجودند داشت فقط در امریکای شمالی هیئتی بنام " کمیته مشرق الاذکار بهائی" موجود بود. احبای جانفشان آن سامان با آنکه قلهشان مطوای عشق حضرت بهاء الله بود و آماده برای هر نوع فد اکاری از امر بسیار کم میدانستند آنها برای نظم اداری جهان امروز بسیار کم مایه بودند و بهمین مناسبت حضرت شوقی ربانی درد زمین توقع خود که بتاريخ ۱۹۲۲ به امریکا فرستادند اساس نظم و طریقه تشکیل محافل محلیه و ملیه را تشریح فرموده و قدم بقدم آنان را راهنمایی نمودند. باید از زمان کرد که تشکیل و توسعه این تأسیسات پر شالوده‌ای منظم و متین و الهی اقدامی بسیار عظیم بوده است چه که استقرار نظم بدیع جهان آرای بهائی که بواسطه معاهدین برگزیده عهد و میثاق حضرت بهاء الله یعنی حضرت مولی الوری و حضرت ولی امر الله و بیت العدل اعظم تشریح و توسعه یافته بدایت استقرار ملکوت الله در ارض است.

قسمتی از یکی از توقیعات (ترجمه بمضمون) " اتحاد کامل بین دوستان بهائی و گذشت و فد اکاری در خدمت به آستان مقدس الهی و قطع ملاقای مادی عالم فانی و رعایت نهایت حکمت و دوراندیشی در اقدامات و مجاهدات سعی در انجام آنچه در الواج مقدس و سایر ایمان گردیده و جلب رضای اودر کلیه شئون و اتخاذ شیوه و روش مثل اهلی رحمانی با اعتقاد کامل که آن نفس مقدس همواره حاضر و ناظر بر افعال و افکار ما است و احتراز و دوری از هر کس که بنظر ماهد و امر الله است و بخصوص اتحاد و اتفاق بین جمیع اهل بهای بنظر این عهد بالاترین و مهم ترین وظیفه در طریق خدمت با امر مقدس الهی و وصول با آرزوی جانفشانی دردوران زندگی هر فرد بهائی است."

هر شخص برای از یاد معلومات معنوی و شخصی خود میتواند قسمتهایی از کتاب نظم اداری بهائی را انتخاب و مطالعه کند، ولی اگر این کتاب را صفحه به صفحه و لغت به لغت مطالعه کنیم معلومات وسیعی درباره کلیه تشکیلات بشهر رسیده امر نظیر تشکیلات بهائی در امریکای شمالی بدست خواهیم آورد و تشکیلاتی ماننسد محفل ملی بهائیان امریکا، کانونشن های ملی، لجنه های نشر آثار، صندوق تبرعات و سایر موسساتی که امروزه موجود داریم.

این مشروعات عظیمه تاریخی که قدرش الهی فضا من به شرف آن است نتیجه راهنمایی صحیح و دقیق حضرت شوقی ربانی است مولای که باعث گردیده اند میثاق الهی چنین سریع گسترش یابد. همانطور که در قسمتی از کتاب ملاحظه میکنیم نه تنها ولی مقدس امر الهی ما را برای بشهر ساندن این تشکیلات راهنمایی

از رفتن و برگشتن:

" این مسافرت بیش از ۶ ماه بطول انجام
میداد و طی آن از ۲۱ مملکت دنیا دیدن کرده بیش از
شصت هزار کیلومتر مسافرت نمود "

اپس از آن:

" ایتلند نه تنها دارای محفل طی است بلکه
دارای حظیره القدس و کتابخانه و موزه
مشرق الاذکار نیز میباشد و ادبیات امری به همان

آقای هرمز باستانی حصارى جوان بهائی ایرانی
که در امریکاه تحصیل و زندگی اشتغال دارد -
اخیراً در مدت ۱۹۲ روز مسافرتی تبلیغی
بدور دنیا نمود و از این سفر خرمی آوردند
و شنیدند و گفتنی ها برچید . آنچه در هر
م خوانند چند خوشه این خرم است که
برای خوانندگان عزیز آهنگ بدیع دست چین
عده تابعدان " بخاطر دایم تا بدرخت
گل رسم دامن پرکنم هدیه اصحاب را
کوشه های این سفر تبلیغی را برای جوانان عزیز
بهائی بازگو نماید .

" آهنگ بدیع "

یکبار نیز با سه نفر از مهاجرین برای صرف نهار خدمت حضرت روحیه خانم رسیدم .

ایران :

... یکن از اهداف مهم مسافرتم بایران ...
بسا زیدی از وقربه کوچک در خراسان بنامهای
حصارو نامق بود که جدم ملا احمد معلم دروسان
حضرت باب بانجام اجرت کرده بود . جناب
ملا احمد معلم در بین مومنین از شیخیهای خراسان
به امر حضرت اعلی بود که مژده بزرگ طلب
تاقم را اولین بار از جناب ملا حسین بشرویندای
عنیده بود ...

پاکستان :

... هزاران نفر از احبای تازه تصدیق در
ناحیه تاتا TATA تغییرزادی در وضع تفکیلاتی
پاکستان داده بودند از همه مبعتره نفسراز
ایشان حالا عضو محفل ملی پاکستان میباشند
از نکات دیگر حظیره القدس های پاکستان که
فوق العاده زیبا و بزرگ است و بالاخره
جوانان پاکستان که همیشه در تاریخ اسر
بیشرو بخادم بوده اند ...

هند و سیدستان :

در چند یگها احبای جوان برای تبلیغ دستبه
جمعی به ادارات دولتی رفتم هیچ فراموش

ایسلندی ترجمه گردیده ... یکی از
خاطرات جالب ملاقات با منشی محفل ملی بود
که ایشان سفر تبلیغی در گروه را بد و چون
برایم شرح دادند . یک گروه از جنوب جنوب
و دیگری از شمال طاق شده بود و پس از سه
هفته در گروه در شرقی تهرین قسمت جنوب
بیکدیگر رسیدند ...

اسکاتلند :

" احبای چند شهرادر Don Fries ملاقات
کردم که برای مشورت در چگونگی تأسیس محفل
جدیدی در این شهر بد و هم گرد آمده بودند
و در بین ایشان ایرانی - انگلیسی و کانادایی
و اسکاتلندی دیده میشد ... "

ایرلند :

" احتیاق جوانان ایرلندی به اتمام اهداف نقشه
ه ساله چنان بود که تصمیم گرفته بودند این
اهداف را در مدت ۴ سال به پایان رسانند
و تقاضای اهداف بیشتری از بیت العدل اعظم
الهی بنمایند . "

ارض اقدس :

... این سرزمین سرزمینی دیگر بود و این
موهبت موهبتی دیگر . در مدت دو هفته اقامت
موفق بدیدار اعضای محترم بیت العدل اعظم
حضرات ابادی امرا لله و معاونین قارنای خدمت



احبابی ایسلند در «ری کی ویک»
 Reykyavik تنی چند از مهاجران
 کانادائی نیز در این عکس دیده میشوند



احبابی هندی در «پاتنا» Patna بهمراه
 خانم بومن عضو هیئت مشاورین قاره ای



عده‌ای از احباب در شمال تایلند

شد و مزار ایشان اکنون ساخته شده است و من
موفق به زیارت آن شدم در دهکده ما
زیارت انا" یاد هکده حضرت جد البها" موفق
به زیارت احماء شدم و هرگز خاطره تعمیر را
که احمای آنجا با روحانیت خواندند فراموش
نخواهم کرد .

مالزیایا :

" مالزی اکنون در حدود ۰۰ (محفل محلی دار
امریکا فقط بیست سال پیش باین سرزمین
رسیده بود ولی هم اکنون احمای مالزی بعنوان
مهاجر در کشورهای هند و بنگلادش و تایلند
و بسیاری دیگر از نقاط خدمت مشغول میباشند
عده محافل محلی مالزی تا پایان نقشه ۰ ساله
باید به ۴۰۰ برسند .

هنگ کنگ :

" یکی از جالبترین خاطرات سفر ۱ روزه ام به
هنگ کنگ بیک تکی بود که احمای هنگ کنگ
تشکیل داده بودند و دوستان غیرهائی خود
را دعوت کرده بودند . این بیک تکی کوه
قصد اعظم آن کوه نوردی بود صبح از امانه
جهانی آغاز شد و هنگام رسیدن به قله کوه
همگی نشسته و دعا و مناجات تلاوت کردند . . .
در میان راه قبل از اینکه در باره امر صحبتی بشود
دوستان غیرهائی راجع به بهائیت سؤال
می کردند .

من کنم که گروه ما از یک ایرانی به اینانی
مربوط بگروه هندو تشکیل شده بود و هر یک
با علاقه امریک را ابلاغ مینمود داستان
دیگر راجع به جوان هندی جناب آنیل ساتوال
(Anil Satwal)
است که در خیابان جزوهای راجع به بهائیت
پیدا کرده بود و بدین ترتیب امریک را شناخته
و ایمان آورد او هرگز ندانست که
چه کسی آن جزوه را در خیابان گذاشته بود . . .

بنگلادش :

" احمای شهر ااکام روز برای دعای محرم
در حضوره القدس جمع میشدند و سپس بدین
کار و فعالیت های روزانه خود میپرداختند
از نکات دیگر مسافرت من ملاقات با جناب صدرا
بود که شاید پیش از ۰۰ سال در امانه
ایشان الواح و آثار بهائی را باین بنگالی ترجمه
کرده بودند و نصاحت و بلاغت ایشان در زبانها
فارسی و عربی ، انگلیسی و بنگالی بی نظیر بود . . .
این خادم امرالله هر چند که بیانی خود را از دست
داده بود ولی همچنان خدمات امری مشغول
بود

پسران :

" احمای امرالله جناب سید مصطفی روسی در
زمان حضرت بهاءالله به برده مهاجرت نمود و با
خدمات بی پایان خود موفق شد پایه و بنیان
جامعه امری را در این سرزمین استوار نماید
جناب روسی در سن ۱۹ سالگی در سال ۱۹۴۲
در محل مهاجرت خود بتمام شهادت نائل

ژاپن :

... توسعه و پیشرفت امرالله در ژاپن
بکدی صورت میگردد و همه احباء با صبر و حوصله
بسیار مشغول ترویج و تبلیغ امرالله هستند و
مفکرومانی مناسب که در ژاپن نیز مانند سایر
کشورها امر تبلیغ پیشرفت ظلمی بنماید
در ژاپن نسل جوان به ناله راه حل برای
مشکلات کنونی جهان میگردد و پیش از هر
طبقاتی مستعد دریافت پیام الهی است .

در خاتمه : —————

... دوستان عزیز میتوانیم
التماس هر چه بیشتر از ما کنیم که در هیچ کجای
دنیا هیچ تشکیلاتی مثل تشکیلات جهانی وجود
ندارد و روح صفا و صمیمیتی که در آن نهفته است
در تشکیلات دیگری پیدا نمیشود . در شرایط
کنونی که تمدن در حال انهدام و انحلال
است و نظم بدیع الهی روز بروز در حال پیشرفت
و توسعه و تکامل مایندگان جمال مبارک باید
اخر صفت استقامت کنیم و در اجرای اهدای
تکلیف و سانه هر چه بیشتر کوشش نماییم

وازرانه های افق

ازکرانه های افق

در آستان صبح
سر بر حریم قدس نهادم
تا برکت عظیم خداوند
بروزم

بتابند

وازرانه های افق

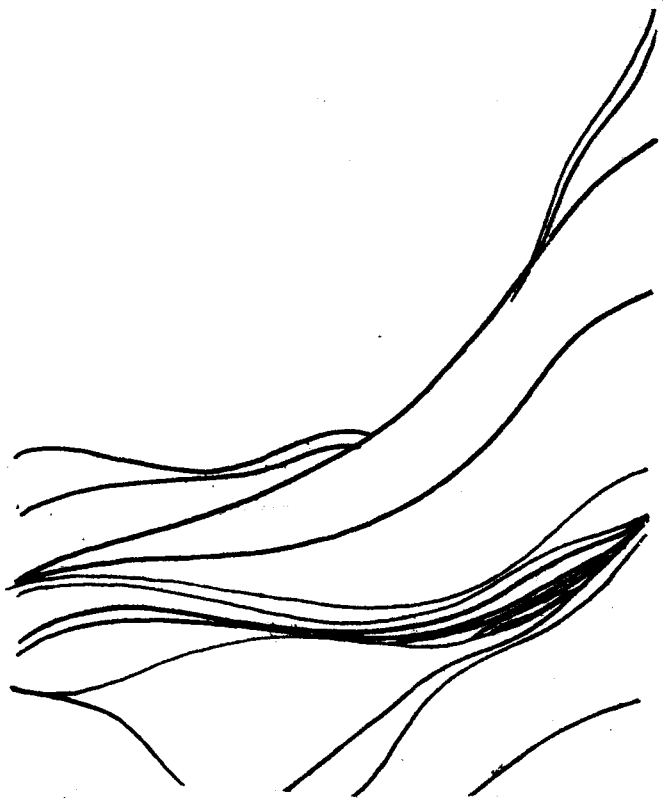
کوه های سبز

آرد نسیم

همراه بال فرشتگان

بوی ترا

به گلیم خاموش و سرد من



بادست های نور

گلهای پاک را

از خرمن تهاجم این بوته های تلخ

باید برون کشید

ای کاش در سپیده

بادستهای نور

ما میتوانستیم

گلزارهای پاک و معطر را

در سرزمین سبز دل خود نشانیم

و تلخینه بوته هارا

در رقم دره های تنفرها کنیم

بادست های نور



دکتر عطاالله فریدونی